
Structuration of Residential Spaces Architecture with Iranian-Islamic Culture Approach

Moein Aghaeimehr¹, Minou Gharehbaglou^{2*}, Mohammad Taghi Pirbabaei³

¹Ph.D. in Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

²Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

³Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Identity is one of the most critical issues facing developing societies and one of the ideals that most Islamic countries have focused on more than ever so that cultural studies in recent years have focused more than ever on the revival of culture and identity. One of the most common theories in the analysis of social issues has been Antony Giddens' theory of "Structuration", which has proposed the combined relationship between structure and agent in order to combine micro and macro theories. In this regard, it has many similarities with most cultural studies, focusing on the concept of "action." Culture finds its identity manifested in social acts and actions, so social actions and forms crystallize a collective culture. Giddens observed that in social analysis, the term of the structure generally referred to "rules and resources" and, more specifically to "the structuring properties allowing the 'binding' of time-space in social systems like architecture." These properties make it possible for similar social practices to exist across time and space, lending them a "systemic" form. In this regard, it seems that it is possible to analyze social actions in residential spaces by relying on Giddens construction theory, which has not been done in previous studies.

This research approach is qualitative, and the strategy of logical reasoning and the method of collecting information is library studies. Therefore, the central question of the research is what the dimensions of architectural construction in residential spaces with a cultural approach are? The general purpose of this study is to explain the cultural aspects of residential architecture and the data collection method based on library studies. The research findings indicate that in the

cultural approach, the architecture of residential spaces as a system is a reproduction of the culture of the family institution and has rules and resources that should be studied. The elements and components of residential spaces are the reproduction of family culture and influenced by family culture and structure, so the rules and resources governing the continuation or transformation of the family institution as the structure of residential spaces lead to the reproduction of its architectural system. This reproduction in the form of architectural patterns in time and space creates the identity of residential spaces. As a result, it can be said that in the cultural approach, the rules and resources that form the family as a social structure should be analyzed. This analysis is searchable in four dimensions of "jurisprudential rulings and traditions governing the actions of the inhabitants of residential spaces", "environment, and technical and welfare facilities in construction of residential spaces", "Norms, concepts and ethical values of housing and inhabitants" and "rules and regulations governing the actions of family members and the architecture of residential spaces" in which three axial classification defined, include "individual attitude", "social attitude" and "human attitude to nature and the environment". So the study of the dimensions and components extracted from this research in the developments of residential spaces is recommended for future research in structuration of Residential spaces.

Keywords: Residential Space Architecture, Culture, Construction Theory, Anthony Giddens

* Corresponding author. E-mail: m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir



ساخت‌یابی معماری فضاهاى سکونتی با رویکرد فرهنگ ایرانی-اسلامی

معین آقایی مهر^۱، مینو قره‌بگلو^{۲*}، محمدتقی پیربابایی^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

^۲ استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

^۳ استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴)

چکیده

هویت فرهنگی، از مهم‌ترین مسائل پیش روی جوامع در حال توسعه و کشورهای اسلامی است، که امروزه بیش از هر زمان دیگر بر روی آن تمرکز شده و مطالعات فرهنگی سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگر بر احیای فرهنگ و هویت متمرکز شده است. بسیاری از مطالعات فرهنگی از جمله نظریه ساخت‌یابی گیدنز، بر مفهوم کنش متمرکزند. فرهنگ، هم هویتی متجلی در افعال و کنش‌های اجتماعی می‌یابد و هم افعال و کنش‌های اجتماعی، فرهنگ جمعی را شکل می‌دهند. در این راستا به نظر می‌رسد بتوان با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی، در رویکردی فرهنگی، کنش‌های اجتماعی را در فضاهاى مسکونی مورد تحلیل قرار داد که در پژوهش‌های پیشین صورت نگرفته است. رویکرد این پژوهش کیفی و راهبرد استدلال منطقی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که ساخت‌یابی معماری در فضاهاى سکونتی با رویکرد فرهنگی چه ابعادی دارد؟ و هدف کلی از این پژوهش تبیین ابعاد فرهنگی معماری فضاهاى سکونتی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای است. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در رویکرد فرهنگی، معماری فضاهاى سکونتی به‌عنوان یک سیستم، بازتولید فرهنگ (ساخت) نهاد خانواده است و قواعد و منابعی دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. قواعد و منابع فرهنگ (ساخت) فضاهاى سکونتی در چهار بعد «احکام و سنت‌ها»، «محیط و امکانات فنی و رفاهی»، «هنجارها، مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی» و «ضوابط و قوانین حاکم بر کنش‌های خانواده و معماری فضاهاى سکونتی» در سه محور گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش انسان به طبیعت، قابل تحلیل و ارزیابی است.

واژگان کلیدی

معماری فضاهاى سکونتی، فرهنگ، نظریه ساخت‌یابی، آنتونی گیدنز.

مقدمه

شود، درعین حال رابطه بسیار نزدیکی میان این دو قائل است و به صراحت اعلام می‌کند که جامعه بدون فرهنگ و فرهنگ بدون جامعه نمی‌تواند وجود داشته باشد و بدون فرهنگ، انسان را درک نخواهیم کرد و احساس خودآگاهی و توانایی تفکر و تعقل و غیره نخواهیم داشت (Giddens 2001).

از تئوری‌های رایج در تحلیل مسائل اجتماعی که از دهه ۷۰ در مطالعات فرهنگی رواج یافت و به تدریج به پژوهش‌های معماری و شهرسازی راه یافت، تئوری ساخت‌یابی^۱ گیدنز^۲ بوده که در پی تلفیق تئوری‌های خرد و کلان، رابطه تلفیقی ساخت و عامل را مطرح کرده است (Hasani and Mousavi 2012). تمرکز نظریه ساخت‌یابی، بر مفهوم کنش است. از این منظر، در مطالعات فرهنگی، فرهنگ به مثابه یک ساخت عمل می‌کند. گیدنز، عاملیت انسان را مستتر در «ساخت» می‌بیند (Sewell Jr 1992)؛ چون از یک سو عامل، ساختارها را شکل می‌دهد و از طرف دیگر، آن‌ها ساختاری برای کنش عامل در جامعه‌اند (Hasani and Mousavi 2012). از این نظر، فرهنگ، هم هویتی متجلی در افعال و کنش‌های اجتماعی می‌یابد و هم به دنبال آن، افعال و کنش‌های اجتماعی، فرهنگ جمعی را شکل می‌دهند. در این راستا به نظر می‌رسد بتوان با اتکا به نظریه ساخت‌یابی، کنش‌های اجتماعی را در فضاهای مسکونی و تحولات آن مورد تحلیل قرارداد و ارتباط متقابلی بین کنش‌های انسان و فضاهای سکونتی برقرار کرد که در پژوهش‌های پیشین صورت نگرفته است. در این راستا پژوهش حاضر، با توجه به وسعت و پیچیدگی هویت معماری و با تأکید بر ابعاد فرهنگی هویت، سعی بر این دارد تا با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی، چارچوب و مؤلفه‌هایی برای ساخت‌یابی فضاهای سکونتی ایران ارائه دهد. در این پژوهش هویت مسئله ای فرهنگی است و فرهنگ به مثابه ساخت فضا و ساختار کنش ساکنین فضاهای سکونتی در نظر گرفته شده و ارکان ساخت، در معماری مسکن تفهیم شده تا چارچوبی نظری برای تحلیل ابعاد فرهنگی هویت فضاهای سکونتی تعریف گردد.

هویت فرهنگی از مهم‌ترین مسائل پیش روی جوامع در حال توسعه و از اهداف آرمانی است که اغلب کشورهای اسلامی، به خصوص در منطقه غرب آسیا، بیش از هر زمان بر روی آن تمرکز کرده‌اند (Aghaeimehr and Gharebagloo 2020)؛ و مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر ایران، بیش از پیش بر احیای فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی متمرکز شده است. نیاز و علت این توجه، مواجهه فرهنگ، معماری و شهرسازی جامعه در حال توسعه ایران، با تحولات شتاب‌زده‌ای است که برای پیوستن به کشورهای توسعه یافته داشته است. در پی این شتاب‌زدگی در بسیاری از حوزه‌ها توجه کافی به فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی در وارد کردن الگوها و فناوری‌های کشورهای توسعه یافته صورت نگرفته است. با این دغدغه، بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته در ایران با نگاهی به کهن الگوهای بومی و بر حفظ پایایی جهت تحقق هویت‌مندی تأکید کرده و در حوزه معماری و شهرسازی نیز در موارد زیادی هویت کالبدی معماری را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ و کمتر به مطالعه تطبیقی ابعاد هویت و فرهنگ معماری بومی ایران پرداخته یا فاقد دانش مدون نظری و الگوی کاربردی جامع، برای معماری با فرهنگ ایرانی-اسلامی بوده‌اند.

در نظریه‌های فرهنگی، بیش از آنکه تحقق هویت‌مندی در کالبد‌ها جستجو گردد، در فرهنگ و هویت فرهنگی جوامع دنبال شده است و ورود پژوهش‌های معماری و شهرسازی به مقوله فرهنگ می‌تواند در رفع چالش‌های هویتی رهگشا باشد. در نظریه‌های فرهنگی، محور هویت‌یابی (خودیابی)، مناسبات و کنش‌های انسانی است و محیط فرهنگی در تکوین، استمرار و تحول هویت نقش مؤثری دارد. از این منظر، کالبد معماری در فضاهای سکونتی به عنوان پدیده (محصول) فرهنگی، هم مظهر تجلی ارزش‌های فرهنگی است و هم بستر شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های اجتماعی است. نظریه فرهنگی، هویت را در مناسبات فرهنگی دنبال می‌کند و ادبیاتی است که در پی یافتن ماهیت فرهنگ و تبعات آن برای زندگی اجتماعی است. گیدنز تلاش می‌کند از لحاظ مفهومی میان فرهنگ و جامعه تمایز قائل

۱. سؤال و روش تحقیق

در این پژوهش از رویکرد کیفی و راهبرد استدلال منطقی استفاده می‌شود. استدلال منطقی به‌عنوان یک راهبرد پژوهشی، قادر به تدوین ادبیات نظری گسترده در یک سامانه مفهومی است. مهم‌ترین نقش روش استدلال منطقی در روش‌شناسی پژوهش معماری، آنجاست که معماری در تعامل با علوم انسانی، فلسفه و جامعه‌شناسی، با مفاهیم نظری و انتزاعی مواجه می‌شود. هدف از این پژوهش‌ها دستیابی به سامانه‌ای منطقی برای تدوین نظریه‌هایی است که مفاهیم نظری را به‌صورت الگوها و مدل‌های کاربردی در حوزه معماری ارائه می‌دهد. پژوهشی کل‌نگر که در آن پژوهش‌گر تفسیر خود را از موضوع عرضه می‌کند و تلاش می‌کند با استدلال‌های منطقی و عقلانی، زمینه را برای اقناع مخاطبان فراهم آورد (Grote and Wang 2013). سؤال اصلی پژوهش این است که ساخت‌یابی معماری در فضاهای سکونت با رویکرد فرهنگی چه ابعادی دارد؟ و هدف کلی از این پژوهش تبیین ابعاد فرهنگی معماری

فضاهای سکونت هست و شیوه جمع‌آوری اطلاعات بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای است.

۲. پیشینه تحقیق

هویت معماری موضوعی چالش‌برانگیز است که اغلب این نظریه‌پردازان برای تشریح آن از مفاهیم دیگری استفاده کرده‌اند. گاهی هویت معماری در خود اثر معماری دیده شده است. به‌عنوان مثال، برخی نظریه‌پردازان، هویت را زیرمجموعه معنا یا حس مکان (Lynch 2011) و بعضی از آن‌ها روح و معنای مکان را زیرمجموعه هویت ذکر کرده‌اند (Relph 2008). گاهی این مفهوم به‌مثابه روح یا حس مکان در نظر گرفته شده است (Norberg-Schultz 2008). گاهی آن را به‌عنوان شخصیت فضا (Relph 2008) و برخی آن را به‌عنوان معنای محیط (Abel 1997)؛ (Broadbent 2008)؛ (Lang 1987)؛ (Lynch 2011)؛ و گروهی هویت را معادل مشخصه‌های کالبدی معماری (Von Meiss 1990)، (Lynch 2010) در نظر گرفته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱: اصول و مفاهیم هویت معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان فرهنگی

Table1: Concepts and principles of architectural identity in opinion of cultural theorists

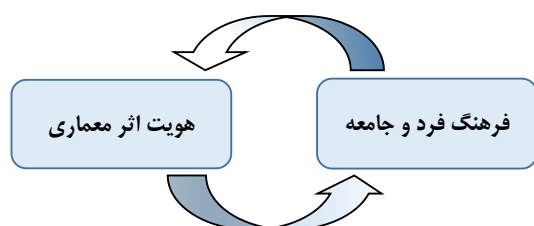
نظریه‌پرداز	دیدگاه هویتی	خلاصه شرح اصول و دیدگاه‌ها در رابطه با مفهوم هویت در معماری	اصول و مفاهیم هویت‌مندی
ایموس راپاپورت	هویت پویا و متناسب با نیازهای فرهنگی	خلق محیط‌هایی متناسب و مطابق با خواست‌ها و نوع فعالیت کاربران، هدف اصلی طراحی است (Rapoport 2005). تأکید بر نقش فرهنگ در آثار معماری؛ ارتباط انعطاف‌پذیر بین فرهنگ و کالبد معماری (ibid)؛ معنا متغیری است فرهنگی و مفهومی تداعی‌کننده و مربوط به کاربران و در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم شخصی‌شدن و شخصی‌سازی با مسلط شدن بر محیط، کامل کردن و تغییر آن (Rapoport 1990). افزایش معانی با ارتقاء خوانایی و تشابه معانی با پیام‌هایی است که انتقال می‌دهد (ibid).	انطباق با فرهنگ و نیازهای انسان، انعطاف‌پذیری و قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با بافت (خوانایی)
لانگ	هویت پویا و پاسخ متناسب با شرایط جدید	توجه به خواسته‌ها و تمایلات مردم برای پاسخ به نیازهای هویتی آن‌ها؛ استدلال‌های جدید لازمه تغییر شرایط است (Lang 1987) و با تغییر ادراک انسان نسبت به عملکرد جامعه، کالبد محیط نیز تغییر می‌کند. محیط ساخته‌شده، رمزی فرهنگی و معرف نهادهای اجتماعی به وجود آورنده آن‌ها است (ibid). هدف طراحی، پاسخ به نیازهای انسان و غنای تجربه انسان است (ibid)، که می‌تواند با تفکری خلاق، از راه همدلی با کاربران و درک قابلیت‌های محیطی و شناخت تفاوت‌های فرهنگی رشد کند (ibid).	تناسب با فرهنگ، زمان و نیاز انسان، انطباق با بافت، امکان شخصی‌سازی، خلاقیت و نوآوری

اصول و مفاهیم هویت‌مندی	خلاصه شرح اصول و دیدگاه‌ها در رابطه با مفهوم هویت در معماری	دیدگاه هویتی	نظریه پرداز
تناسب با فرهنگ و زمان، تداوم، تناسب فرم با فناوری و مصالح، خلاقیت و نوآوری، تناسب با اقلیم	او فرهنگ محلی مقوله‌ای است نسبتاً تغییرناپذیر که باید متناسب با شرایط زمان تعریف شود (Frampton 2007). منطقه‌گرایی انتقادی نوعی تجربه فرعی است که با کمک آن، در عین انتقاد از مدرنیزاسیون، جنبه‌های آزادی خواهانه و میراث رو به پیشرفت معماری مدرن را نادیده نمی‌گیرد...» (ibid). منطقه‌گرایی انتقادی نوعی معماری هوشیار مؤثر بر عوامل خاص مکانی است که توپوگرافی را برای پاسخ به شرایط محیطی و اقلیمی نظم می‌بخشد. (ibid).	فرهنگ پویا و منطقه‌گرایی انتقادی	کنت فرامپتون
تناسب با فرهنگ، اقلیم و زمان، تناسب با نیازهای انسان، انطباق با بافت و انطباق فرم با فناوری و مصالح	معماری مجموعه‌ای از مهارت‌ها و علوم غیرقابل توصیف و تقلیل‌ناپذیر و شکل‌دهنده هویت مکان است (Abel 1997)؛ اختلاط فرهنگی در شکل‌گیری هویت معماری پدیده‌ای طبیعی و هویت فرهنگی، فرایندهای خلاق تعامل فرهنگی است (ibid)؛ معماری منطقه‌ای محصول درهم‌تنیدگی فرهنگی و منطقه‌ای کردن مدل‌های وارداتی (ibid) و کاربرد فناوری مناسب (ibid)؛ و براساس دیدگاه «هم این و هم آن» و تنوری (ibid)، اصل بی‌زمان بودن نوآوری، پیوند بین گذشته و آینده و طراحی با تعامل و هماهنگی با نیاز کاربران، راه‌حل هویت بخشی به معماری است (ibid).	هویت پویا و فرایند خلاق تعامل فرهنگی	کریس ابل
تناسب با فرهنگ، اقلیم و نیازهای انسان، تناسب فرم با عملکرد، مصالح و فناوری	ارزیابی معماری براساس پنج شاخص تناسب با فعالیت کاربران، حفاظت محیطی و اقلیمی، نمادگرایی فرهنگی، کارکرد اقتصادی و مهار اثرگذاری محیطی بنا (Nadimi 2010). توجه به ساختمان پایدار با مکان‌یابی صحیح، استفاده از مصالح در دسترس، طراحی مبتنی بر کاهش مصرف انرژی و مدیریت مصرف آب، احترام به کاربران و تأمین دسترسی مناسب (Broadbent 2008)؛ معماری وسیله جرح و تعدیل شرایط موجود است تا انسان با سهولت بیشتر و در آرامش فعالیت کند و طراحی، فرایند خلاق حل مسئله برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان است (ibid).	هویت پویا متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی	جفری برودبنت
تناسب با فرهنگ و بافت، قابلیت شخصی‌سازی، خلاقیت و نوآوری	ادراک، خاطرات و تجارب انسان را به‌عنوان عاملی مهم در طراحی محیط (Soleimani and Etesam and Habib 2016) و طراحی خلاقانه ارزش‌های ذهنی مخاطب و مشاهدات بصری، اصلی مهم در ادراک محیط و ایجاد دید پی‌درپی به‌عنوان راه‌حلی مناسب برای ایجاد هماهنگی در محیط است (Cullen 1991).	نوآوری با حفظ نقش خاطره ذهنی	گوردن کلان
تناسب با فرهنگ، اقلیم و زمان، تداوم، قابلیت شخصی‌سازی، تناسب فرم با فناوری، مصالح و نیازهای انسان	هویت، فرایندی که موجب شکل‌گیری و توسعه هویت طی زمان و مبتنی بر حل مشکلات واقعی و پدیده‌ای ناخودآگاه و نیازمند نگاه از خارج و درک مخاطب است (Correa 1983). معماری معاصر، مستلزم استخراج اصول و انطباق آن با مصالح، عادات، اقلیم و سنت‌ها و مطابق با شرایط و هویت محلی است. اقلیم نقشی اساسی در تعیین فرم بناها، فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها دارد (Ibid) و هویت دارای جلوه‌های متکثر و پویا است (Ibid).	هویت پویا و تکثرگرا فرآیندی در طی زمان	چارلز کوریا

اصول و مفاهیم هویت‌مندی	خلاصه شرح اصول و دیدگاه‌ها در رابطه با مفهوم هویت در معماری	دیدگاه هویتی	نظریه پرداز
تناسب با فرهنگ (سازگاری)، بافت (خوانایی)، زمان، عملکرد و نیازهای انسان، قابلیت شخصی‌سازی	هویت مفهومی یکپارچه و وحدت‌یافته (اتمسفر یا جو مکان یا روح مکان) و پایدار در طول تاریخ و زمان (Norberg-Schultz 2008) و چپستی و کجایی اشیا مرتبط با یکدیگر و هویت آن‌ها را با فرم ویژه حضور آن‌ها است (ibid). معماری اصیل معماری مراقبت و معماری مراقبت، لزوماً معماری مشارکت است» (Norberg-Schultz 2003). انسجام صوری را صفت اصلی زیست جهان و یک ساختمان، عالم را بر اساس سه اصل تجسم فکری، تکامل و نمادآوری گرد هم می‌آورد. (ibid).	فرهنگی هویت پویا در انطباق با فرهنگ و نمادهای	کریستین نوربرگ شولتز
تناسب فرم با عملکرد (شفافیت)، بافت (خوانایی)، فرهنگ (سازگاری)، زمان و نیازهای انسان، قابلیت شخصی‌سازی	هویت (معنای یک محل) به مکان شخصیت می‌بخشد و با هویت شخصی ارتباط نزدیک دارد. سازگاری، شفافیت و خوانایی از اجزای معناست که ارتباط میان فرم و ارزش‌های غیرفضایی را بیان می‌کنند (Lynch 2011). مکان خوب تا حدودی متناسب با کاربر و فرهنگش، او را از جامعه گذشته، شبکه زندگی، زمان و فضا که همه چیز را احاطه کرده آگاه می‌سازد و از تجارب مشترک و عمومی زندگی مانند سرما و گرما، خشک و تر، روشنی و تاریکی، بزرگی و کوچکی، مرگ و زندگی، ثبات و تحرک، غفلت و توجه، پاکی و کثیفی، آزادی و محدودیت نیز بهره می‌برد» (Soleimani and Etesam and Habib 2016).	و تصویر ذهنی هویت پویای عملکردی متناسب با فرهنگ	کوبین لیچ
تناسب با ادراک، فرهنگ، زمان، مکان و کنش‌های اجتماعی	هویت شخص بازتاب تفسیری فرد در تداوم زمان و مکان است، مسیری که فرد در طول عمر می‌پیماید (Giddens 1996). گاه تمام شیوه‌های زندگی اعم از رفتار، تفکر و احساس و همه مصنوعات، ارزش‌ها و هنجارها در آن جای می‌گیرد و گاه مناسبات و رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی افراد، گیدنز هویت‌یابی (خودیابی) را در عرصه فرهنگ به بحث می‌گذارد (Beheshtinejad 2016).	اجتماعی هویت فرهنگی پویای محصور در اعمال	آنتونی گیدنز
منشأ حقیقی و مبتنی بر ایده آل‌ها، مصادیق اعتباری مبتنی بر شرایط زمان و مکان و اجزا و عناصر طبیعی	وی به تجلی نسبی محتوا و هویت اسلامی در صورت و کالبد معماری دوره اسلامی معتقد است (Noghrekar 2012). هویت معماری مانند هر فرآیند هنری از سه بعد ایده و ایده‌آل هنرمندان، روش‌ها و شیوه‌های عملی آن (سبک‌ها) و مصادیق آثار معماری تشکیل شده است. سبک‌های خلق آثار هنری دوجوهری‌اند. از نظر منشأ مبتنی بر ایده‌آل‌ها و گزاره‌های حقیقی‌اند، اما هنگام تحقق مصادیق معماری، مبتنی بر شرایط زمانی و مکانی و محدودیت اجزا و عناصر طبیعی، اعتباری‌اند و تحقق نسبی متکثر دارند (Noghrekar et al. 2009).	اجتهادی هویت حقیقت‌مداری پایا و عدالت‌مداری پویای	عبدالحمید نقره‌کار
فرهنگ اعتباری مؤثر بر کنش انسان و معتبر به آن، امور حقیقی زیربنای اعتبارات فرهنگی	از نظر علامه طباطبایی، فرهنگ جامعه متشکل از امور حقیقی و اعتباری است (Sharafoddin 2014). امور حقیقی بخش ثابت فرهنگ‌اند و نقش زیربنایی برای اعتبارات فرهنگی به‌عنوان بخش‌های متغیر و روساخت‌های اجتماعی فرهنگ دارند. اعتباریات اجتماعی به معانی و هویت‌های اجتماعی می‌پردازد و حالتی سراب گونه میان حقایق و اعیان دارد و بر مبنای تقل و تصور انسان ساخته می‌شود (Tabatabaei 2011). از نظر علامه طباطبایی هویت‌های اعتباری توسط انسان اعتبارساز معتبر شده‌اند (ibid) و مکانیزم کنش انسان در جهان خودند (Tabatabaei 2019).	حقیقی هویت فرهنگی اعتباری وابسته به امور	محمدحسین طباطبایی

تشخیص و ابراز هویت معماری تمایزات معنایی با یکدیگر دارند، ولی همگی به برخی از ویژگی‌های ویژه مکان اشاره دارند که امکان تشخیص یک مکان را با تمییز تمایز آن از سایر مکان‌ها و تشبیه شباهت آن با مکان‌های مشابه، میسر می‌دارند.

در تحلیل دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در ارتباط با فرهنگ و معماری، می‌توان دو جریان کلی را مشاهده کرد. شکل اول جریانی است که در آن معماری به‌عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و در مقابل، در شکل دوم هویت در خود اثر و به‌عنوان معنا، مفهوم و ویژگی‌های اثر موردبررسی قرار می‌گیرد. این دو نگرش اگرچه به‌نوعی متمایز از یکدیگر است اما در برخی دسته‌بندی‌ها به‌صورت یکپارچه ذکر شده‌اند. این پژوهش هویت معماری را به‌عنوان بازنمود فرهنگ فرد و جامعه ایرانی-اسلامی و با تأکید بر کنش‌های انسانی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد (شکل ۱). در اینجا، «فرهنگ» به‌عنوان عامل مؤثر بر هویت معماری و به‌مثابه ساخت فضا در فضاهای سکونتی و ارکان ساخت در نظریه ساخت‌یابی گیدنز، به‌منزله ارکان هویت فرهنگی است.



شکل ۱: هویت معماری بازنمود فرهنگ فرد و جامعه

Fig. 1: Architectural identity represents the culture of the individual and society

۳. چارچوب نظری

در نگرشی که هویت مکان از منظری فرهنگی و در قالب هویت جمعی تعریف می‌شود، محیط فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد و با توجه به پیوند عمیق میان فرهنگ و هویت در این نگرش، هویت را غالباً پدیده‌ای فرهنگی برمی‌شمارند؛ به‌طوری‌که معمولاً مردم، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و تجربه‌های اجتماعی

گاهی هویت معماری در هویت انسان یا جامعه جستجو شده و بخشی از شخصیت فرد و جامعه دیده شده است. کلر کوپر مارکوس^۳ خانه را به‌عنوان نمادی از انسان تعریف می‌کند (Cooper Marcus 2009). وی معتقد است که افراد برای بیان خود ابتدا از بدن و پوشش به‌عنوان نمود بیرونی خود و سپس به‌صورت ناخودآگاه، از خانه به‌صورت فرم‌های کالبدی نمادین استفاده می‌کنند (ibid). میشل پولانی در نظریه دانش ضمنی^۴ خود معتقد است که بدن انسان برای کسب آگاهی و درک محیط خارجی از فرآیند ساکن شدن^۵ استفاده می‌کند که بر طبق آن عناصر خارجی را به‌عنوان اجزائی از بدن، خود پنداشته و یا به تعبیری بدن خود را گسترش می‌دهد (Able 1997). به‌این ترتیب خانه یا محیط کالبدی به‌عنوان بسط مجازی بدن انسان در نظر گرفته که ارتباط عمیقی با این‌همانی فرد با محیط خواهد داشت. راپاپورت معماری را مسئله‌ای فرهنگی و معنا را مفهومی تداعی‌کننده و مربوط به کاربران و در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم شخصی‌شدن و شخصی‌سازی با مسلط شدن بر محیط، کامل کردن و تغییر آن معرفی می‌کند (Rapoport 1990). در این دیدگاه، معماری به‌عنوان نمادی از فرهنگ فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و نقشی اساسی در برقراری روابط اجتماعی و آرامش روانی فرد برعهده خواهد داشت؛ بنابراین معماری نقشی مشابه نوع خودرو، ظاهر افراد، شیوه لباس پوشیدن و نحوه رفتار آن‌ها در موقعیت‌های مختلف برعهده داشته و مانند عنصری نمادین یا نقابی بر روی چهره فرد عمل می‌کند (Soleimani and Etesam and Habib 2016).

گیدنز فرهنگ را گاه به‌مثابه محیط و بستر فرض می‌کند که تمامی شیوه‌های زندگی اعم از رفتار، تفکر و احساس و همه محصولات، ارزش‌ها و هنجارها در آن جای می‌گیرد و گاه مناسبات و رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی افراد را در عرصه فرهنگ به بحث می‌گذارد. گیدنز در عمده مباحث خود به خواننده القاء می‌کند که تنها راه «خود» یابی (هویت‌یابی) در دنیای متجدد و فرهنگ جامعه جدید است (Beheshtinejad 2016). هرچند رویکردهای مطرح‌شده در

فرهنگ و هویت خود را با فرهنگ درونی‌سازی می‌کنند و می‌شناسند و فرهنگ، بخشی از خودانگاره آن‌ها یا تصور آن‌ها از خویش‌ستن می‌شود (Lustig 2013). در این نگرش، هویت فرهنگی جزء لاینفک هویت معماری است؛ از این رو مقوله پیچیده فرهنگ در تبیین هویت، به توجه ویژه نیاز دارد.

ادبیاتی که در مطالعات فرهنگی وجود دارد، گسترده و به نحو حیرت‌آوری متنوع است. اسمیت، کنش، عاملیت و خویش‌ستن را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل محوری در رابطه فرد و فرهنگ و خطیرترین مسئله‌ای معرفی می‌کند که فرهنگ از طریق آن اعمال انسانی را شکل می‌دهد (Smith 2008). کنش انسانی با اراده و آگاهی از سان انجام می‌شود (Parsania 2014). انسان به خاطر نوعیتش مقتضی «باورهایی» است که از آن‌ها اراده ایجاد می‌شود (Tabatabaei 2007). هنگامی که یک فرد با اراده و آگاهی خود که همان جلوه عاملیت او محسوب می‌گردد، به یک معنا پیوند می‌خورد و ارتباط وجودی خود را با آن معنا و معانی زمینه‌ساز آن برقرار می‌سازد و از معانی در تعارض و تضاد با آن معنا، روی‌گردان می‌شود. بدین ترتیب، به تدریج شبکه‌ای از معانی در طول و عرض یکدیگر به عرصه زندگی او راه می‌یابند که ناگزیر است به لوازم و پیامدهای آن‌ها ملزم باشد. دل‌بستگی به معانی و آرمان‌های ناسازگار با یکدیگر، به ناسازگاری در کنش‌ها و رفتارهای انسان و در نهایت، به ناسازگاری در هویت فرهنگی و شخصیت وی منجر می‌شود. این رفتار هماهنگ و تاحدودی همسان در بستر زمان که در میان آحاد جامعه اعتبار می‌شود و به اشتراک گذارده می‌شود، موجب کسب هویتی جمعی در میان آن افراد می‌شود؛ به گونه‌ای که رفتار مغایر با آن در میان اجتماع ایشان غیرمنتظره و ناهنجار تلقی می‌شود (Parsania 2012).

۱-۳. تبیین هویت و فرهنگ در نظریه ساخت‌یابی

نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز از نظریه‌های کاربردی مطرح در جامعه‌شناسی است که با عبور از دو مکتب کارکردی و

کنش که یکی بر ساختار و دیگری بر کنش توجه می‌کند، به نظریه ترکیبی روی می‌آورد و کلید فهم دگرگونی‌های علوم اجتماعی را رابطه متقابل کنش انسان و ساخت اجتماعی می‌داند. در نظریه ساخت‌یابی، برخلاف مکاتب ساختارگرایی علوم اجتماعی، ساختارها عنصری عینی و فیزیکی نیستند، بلکه انگاره‌ای ذهنی‌اند که به عنوان ساختار کنش و اعمال انسانی و قواعد شکل‌گیری آن کاربرد دارند (Bryant and Jary 1991). ساختار از طریق عمل فرد ساخته می‌شود و عمل فرد در درون ساختار محقق می‌شود. استفاده انسان از ساختارها در عمل اجتماعی، نوعی بازتولید آن‌ها در قالب عمل جدید است. بدین ترتیب فرهنگ، هم هویتی متجلی در افعال و کنش‌های اجتماعی می‌یابد و هم افعال و کنش‌های اجتماعی، فرهنگ و هویت جمعی را شکل می‌دهند و مصنوعات و پدیده‌های فرهنگی (از جمله آثار معماری)، پس از تحقق افعال فرهنگی ظهور می‌یابند (Javadi and Malekshahi and Kalantari 2016). در نظریه ساخت‌یابی، هیچ لحظه فرضی وجود ندارد که عامل انسانی رها از ساختارها باشد (Emirbayer and Mische 1998). از این جهت (دادن ساختار به کنش‌های انسان و به دنبال آن، ساختار یافتن از کنش‌های انسان به عنوان عامل)، فرهنگ به مثابه ساخت (در نظریه ساخت‌یابی) عمل می‌کند (Lechet 2004). در این نگاه، عناصر و اجزای فرهنگ، به مثابه ساخت، هویتی مستقل از خود ندارند و گرت‌بردار و پذیرای هویت ساخت حاکم بر فرهنگ هستند (Pirbabaee and Iranshahi 2020). بنابراین می‌توان عناصری را در پس هر فرآورده فرهنگی یافت که رابطه‌ای شبکه‌وار با یکدیگر دارند و این روابط، ساختار کلی را شکل می‌دهد که در نهایت در کانون و هسته اصلی آن پدیده فرهنگی مورد نظر نهفته است.

ساخت‌ها رویکردی دوجبهی دارند و به واسطه کارکرد دوگانه قواعد^۶ (محدودکننده) و منابع^۷ (تواناکننده) عمل می‌کنند (Sewell Jr 1992). این دوجبهی را می‌توان در خصوص زبان نیز دید. زبان از طرفی قواعدی دارد که برای کاربران آن الزام‌آور است و درعین حال واژگانی در اختیار

نتیجه فعالیت‌های انسانی به‌عنوان عامل‌اند (Segre 2014). ساختارها در موقعیت قواعد و منابع، کاری انجام نمی‌دهند؛ بلکه از طریق اطلاع‌رسانی به کنشگران و دیگر عوامل و استفاده آن‌ها از این قواعد و منابع، سبب ایجاد سیستم‌های اجتماعی می‌شوند (Giddens 2013). قواعد و منابع، خصوصیات ساختاری سیستم‌های اجتماعی هستند که در آن‌ها ساختارها نسبتاً ماندگار و اصول کلی نظم سیستم‌ها هستند. قواعد به معنای عملی شامل نه‌تنها مواردی هستند که به یک معنا قانون‌گذاری شده‌اند، بلکه در برخی کارهای روزمره کمتر رسمی، عادت‌ها (عرف)، رویه‌ها و یا قراردادها نیز تأثیرگذارند (Whittington 2015). ساختارهای اجتماعی در بستر جامعه و در زندگی روزمره، بازآفرینی و بازتولید می‌شوند (Pirbabaei and Iranshahi 2020). در این رویکرد، «ساخت‌یابی»، شرایط حاکم بر استمرار یا تغییر شکل ساخت‌هاست و سیستم‌های اجتماعی بازتاب یا بازتولید ساخت (فرهنگ) است (شکل ۳). پس وقتی قواعد و منابع ساختارهای شکل‌دهنده یک سیستم کشف شود، همه اجزای آن را می‌توان در بازتولید آن تبیین کرد و تحلیل اصول ساختاری سیستم‌ها، متوجه شیوه‌های تمیز و تشخیص هویت است.

کاربران می‌گذارند که امکان سخن گفتن و برقراری ارتباط را فراهم می‌آورد (Cassell 2004). بر این اساس، «ظهور» هنجارهای فرهنگی را نیز می‌بایست در قالب نتایج مشابه و تکرار شونده جستجو کرد و برای شناخت اولیه آن‌ها، به دنبال مشابهت‌ها در محیط ساخته‌شده بود؛ که البته گیدنز در تعاریف فرهنگ خود، از آن به‌عنوان هنجار فرهنگی و در نظریه ساخت‌یابی به‌عنوان الزامات و قواعد محدودکننده نام می‌برد. منابع نیز در تئوری گیدنز به دو دسته تقسیم می‌شوند، منابع معتبر (مقتدرانه) که تدابیر و فرمان‌هایی را بر افراد و عاملان روا می‌دارد و منابع تخصیص که شامل ویژگی‌های محیط فیزیکی در استفاده از تولید و بازتولید (تکثیر) کالا است (Giddens 1997). قواعد نیز هم دارای یک جنبه هنجارگونه شامل قوانین و الزامات قانونی و هم جنبه اخلاقی شامل تعهد به پیروی از آن قوانین می‌باشند (Macintosh and Scapens 1991) (شکل ۲).

در نظریه ساخت‌یابی گیدنز، ساختار باید همواره به‌عنوان خاصیتی از سیستم‌های اجتماعی تصور شود که در عملکردهای بازتولید شده در زمان و مکان انجام می‌شود. سیستم‌های اجتماعی به صورت سلسله‌مراتبی و جانبی در کل جامعه برگزار می‌شوند و مجموعه‌های مفصل را تشکیل می‌دهند (Giddens 1997). ساختارها هم واسطه و هم



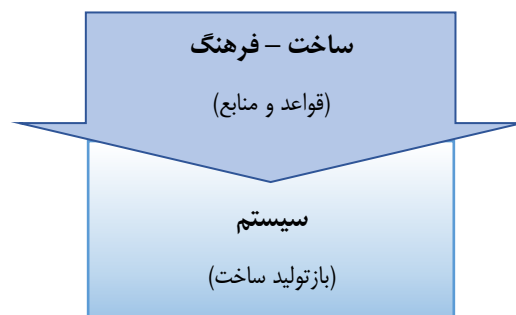
شکل ۲: تبیین رابطه ساخت (فرهنگ) و کنش در نظریه ساخت‌یابی گیدنز

Fig. 2: Explaining the relationship between Structure (culture) and action in Giddens' theory of Structuration



شکل ۴: نهاد خانواده به‌مثابه ساخت اجتماعی مؤثر بر نظام معماری مسکن

Fig. 4: Family institution as a social structure affecting the housing architecture system



شکل ۳: رابطه ساخت و سیستم در نظریه ساخت‌یابی

Fig. 3: The relationship between Structure and system in Structuration theory

وجود دارد که در تفاوت‌های ساخت فضاهای سکونتی آن‌ها نیز باید مشهود باشد. روشن‌ترین جایگاه مودت و رحمت، نهاد کوچک خانواده است، زیرا زن و مرد در محبت و رحمت ملازم یکدیگرند و این دو به هم و به‌ویژه زن نسبت به فرزندان کوچک‌تر عطوفت می‌ورزند (Tabatabaei 1995). البته از نظر ابن سینا عشق و محبت پس از ازدواج و در درون زندگی مشترک جز در سایه الفت تحقق نمی‌یابد و الفت نیز به‌غیر از عادت حاصل نمی‌شود و عادت نیز از رهگذر هم‌نشینی طولانی مدت محقق می‌شود (Ibn Sina 2016). ابن سینا درخصوص انگیزه‌های ازدواج، انگیزه‌های اقتصادی (Ibn Sina 1985) و اجتماعی (Ibn Sina 2016) را به بحث می‌گذارد.

گیدنز با طرح مفهوم «رابطه ناب» بر این نکته تأکید می‌ورزد که اساساً خانواده امروز دیگر یک واحد تولیدی و اقتصادی نیست و منطق دادوستد در روابط زوجین مبتنی بر عواطف و صمیمیت است (Giddens 2008). وی، برخلاف نگاه سنتی و اسلامی، ازدواج را مقدس و تنها شکل مطلوب پیوند زناشویی و در نتیجه رضایت از زندگی نمی‌داند و معتقد است زن و مرد بدون ازدواج هم می‌توانند در کنار یکدیگر به‌خوبی و خوشی زندگی کنند و پرورش فرزندان را برعهده گیرند (Giddens 2008). گیدنز تأکید می‌کند که ازدواج دیگر مانند گذشته بر الزام‌های بیرونی و پیش‌ساخته استوار نیست و موقعیت اجتماعی افراد تعیین‌کننده جایگاه آن‌ها در مناسبات خانواده و ازدواج نیست (Giddens 2008). گیدنز، در بسط این مسئله مفهوم «رابطه ناب» را مطرح می‌کند. رابطه ناب وابسته به عوامل بیرونی

۳-۲. خانواده به‌مثابه ساخت اجتماعی مؤثر بر نظام معماری مسکن

چنانچه اشاره شد، در نظریه ساخت‌یابی، عناصر و اجزای فرهنگ به‌مثابه ساخت، هویتی مستقل از خود ندارند و درواقع از هویت ساخت حاکم بر خود متأثرند؛ بنابراین می‌توان گفت که فضاهای سکونت در هر خانه به‌عنوان اجزای یک فرآورده فرهنگی، رابطه‌ای شبکه‌وار با یکدیگر دارند و این روابط، ساختار کلی خانه را شکل می‌دهد که درنهایت در کانون و هسته اصلی خانواده و روابط اعضای آن موردنظر نهفته است. وقتی قواعد و منابع در ساختارهای شکل‌دهنده خانه به‌عنوان یک سیستم کشف شود، هویت همه اجزای آن را می‌توان در بازتولید خانواده به‌عنوان یک ساخت اجتماعی تبیین کرد. درواقع، هنگامی که خانواده بازتولید مکانی و زمانی می‌کند، خانه شکل می‌گیرد و درواقع، نظام معماری خانواده متأثر از مناسبات اعضای خانواده است. از این منظر خانواده یک نهاد اجتماعی است که خانه را تولید می‌کند و در ساخت‌یابی آن، باید قواعد و منابع شکل‌دهنده خانواده به‌عنوان یک ساخت اجتماعی تحلیل شود (شکل ۴). با توجه به این مسئله، تحلیل ارزش‌های حاکم بر خانواده، از احکام تشکیل خانواده تا مناسبات بین اعضای خانواده و همچنین مناسبات بین اعضای خانواده و دیگران، لازمه ساخت‌یابی فضاهای سکونت به‌شمار می‌رود.

۳-۳. شکل‌گیری ساخت خانواده

ساخت خانواده در ایران و غرب، از شکل‌گیری تا پایان و نحوه روابط بین اعضای خانواده تفاوت‌های چشم‌گیری

زندگی اجتماعی و اقتصادی نیست (Giddens 2013b)؛ و زن و مرد در یک موقعیت برابر و با اراده معطوف به فردیت خویش می‌توانند به‌صورت داوطلبانه وارد این رابطه شوند (Giddens 1993). و جبر حاکم بر مناسبات جنسیتی گذشته که منجر به انتخاب شدن زن یا انتخاب کردن مرد در امر ازدواج می‌شد، به‌طورکلی از بین رفته است. از این‌رو نخستین اصل مورد تأکید گیدنز برای تشکیل خانواده مطلوب در دنیای مدرن که آن را تحت عنوان «دموکراسی عاطفی» صورت‌بندی می‌کند، اصل برابری زن و مرد و موقعیت آن‌ها در ایجاد یک پیوند است (Giddens 2008).

۴-۳. ساخت قدرت و جایگاه اعضای خانواده

ساخت قدرت در خانواده ایرانی، تفاوت‌های بنیادین با خانواده در غرب دارد و این مسئله در نظام معماری مسکن نیز می‌تواند جلوه یابد. در دیدگاه علامه طباطبایی، اسلام از نظر اداره شئون زندگی، زن و مرد را همسان دانسته است. زن و مرد از نظر تعلق اراده به آنچه ساختمان وجودی انسان در خوردن و نوشیدن و دیگر امور مربوط به بقای انسان است، مساوی هستند؛ بنابراین می‌توانند به‌طور مستقل تصمیم بگیرند، عمل کنند و نتایج کار خویش را مالک گردند؛ اما در بحث اختلافات مسئولیت‌های زن و مرد، دو ویژگی آفرینشی زن را مطرح می‌کند. نخست این‌که زن در تگون نوع انسانی و رشدش به‌منزله کشت است که نوع انسانی در بقایش به او اعتماد دارد؛ بنابراین احکام مربوط به این ویژگی مختص زن است. دوم آن‌که وجود زن مبتنی بر لطافت جمعی و ظرافت احساسی است و این ویژگی نیز در وظایف اجتماعی وی مؤثر است (Zoheyri and Fathi 2011). پس زندگی زن «احساس‌گرا» و زندگی مرد «اندیشه‌گرا» ست؛ بنابراین اسلام اموری نظیر سرپرستی، قضاوت و جنگیدن را که به اندیشه‌گرایی نیازمند است به مرد و اموری چون تربیت و سرپرستی فرزند و تدبیر منزل را به زن اختصاص داده است (Tabatabaei 1995). علامه طباطبایی به پیروی از آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (سوره نساء، آیه ۳۴) قائل به

مدیریت مرد در خانواده است و با اشاره به نکاتی از زندگی اجتماعی و شرایط طبیعی زن و مرد، این مسئله را تبیین می‌کند (Zoheyri and Fathi 2011). علت دیگر مدیریت مرد، مسئولیت اداره امور اقتصادی خانواده است که بر عهده وی است (Tabatabaei 1995). ورود زنان به بازار کار مهم‌ترین عامل تغییر در ساخت و توزیع قدرت در خانواده هست (Good 1963)، که در دهه‌های اخیر رشد چشم‌گیری در جامعه ایرانی داشته است.

گیدنز با توجه به نظریه عمومی‌اش در ویژگی‌های عصر جدید، بر «دموکراسی گفتگویی» در خانواده تأکید دارد. وی معتقد است که در جوامع امروزی به‌صورت روزافزون، فردیت مردم و استقلال در ارتباطات افراد افزایش می‌یابد. چنین جامعه‌ای به دموکراسی گفتگویی نیاز دارد. او گفتگو در یک فضای عمومی را راهی برای همزیستی با دیگری در یک وضعیت «مداوری متقابل» می‌داند (Zoheyri and Fathi 2011). در خانواده دموکراتیک (به‌عنوان آرمانی برای دنیای نوین)، برابری و موقعیت یکسان در مناسبات زن و شوهری، احترام متقابل، تصمیم‌گیری بر مبنای گفت‌وگو و مشورت، آزادی از خشونت و تعهد متقابل وجود دارد؛ که برخلاف روابط نابرابر زن و مرد در گذشته است که زن جزئی از دارایی مرد تلقی می‌شد (Giddens 1999b). بر این اساس، با معیارهای دموکراتیک، ساخت قدرت از شکل هرمی با محوریت مرد در رأس هرم تغییر می‌کند و برابری فرصت‌ها و اهمیت برابر اعضای خانواده، پویایی، اعتماد و تعادل را در ساخت قدرت به ارمغان می‌آورد (Giddens 2013b). از نظر او اعتماد در پیوند زناشویی، مسئله‌ای از پیش تعیین‌شده و مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی و اجتماع محلی به شکل سنتی نیست و نتیجه تلاش طرفین در ابراز صمیمیت و سعه صدر است (Giddens 2005).

۵-۳. حقوق و تکالیف و مناسبات اعضا در ساختار خانواده

حقوق و تکالیف و مناسبات خانواده در اسلام، متناسب با ساخت قدرت و جایگاه اعضای خانواده در آن

تعریف شده، به همین منظور با مناسبات خانواده در غرب تفاوت دارد. دین اسلام تأکید فراوانی دارد که محیط خانوادگی، آمادگی کامل را برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر داشته باشد و زن یا مردی که در این مسئله کوتاهی کند را صراحتاً مورد نکوهش قرار داده است (Motahari 1993). ابن سینا مهم‌ترین الزامات و تکالیف مرد را در قبال همسرش، حمایت مادی و امنیتی از زن (Ibn Sina 2016)، فراهم کردن زینت نیکو، حفظ حجاب و پوشیدگی زن، خودداری از برانگیختن حس غیرت و حسادت زن، وفای به عهد و پایبندی به وعده‌ها (Bouzarinejad and Eqbali 2019) و رعایت جوانمردی (Ibn Sina 1985) و مهم‌ترین وظایف زن را در قبال همسرش، فروتنی و مطیع بودن، خیرخواه شوهر بودن، امانت‌دار بودن، قناعت و صرفه‌جویی، اخلاق نیکو، حفاظت از خود در برابر نامحرم (Ibn Sina 1985) برمی شمرد. وی فرزندان‌آوری را به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر ازدواج و همسرگزینی به حساب می‌آورد (Sotoude 2003). در این دیدگاه، در رابطه مرد با همسر در اداره نهاد خانواده، در نظر گرفتن سه اصل هیبت مرد، تکریم زن و اشتغال زن به امور خانه‌داری و تربیت فرزندان لازم است (Zoheyri and Fathi 2011).

از نظر گیدنز الگوی سنتی نهاد خانواده در عصر جدید به ویژه در ساحت امور جنسیتی، مناسبات اعضای خانواده و الگوهای ازدواج و پیوندهای خویشاوندی تحولات زیادی را تجربه کرده است؛ که گیدنز از آن با عنوان نظام‌های بازاندیشانه تخصصی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی جهان مدرن یاد می‌کند (Giddens 2013c). بازاندیشی در زندگی مدرن بدین معناست که اعمال و عادات اجتماعی دائماً آزموده می‌شوند و با توجه به اطلاعات به دست آمده از این عادات اجتماعی، اصلاح می‌گردند و اساساً پیوسته در تغییرند و مبنای بازتولید نظام‌ها می‌شوند (Giddens 2005b). در این راستا گیدنز بر اصل تساوی حقوق و تکالیف متقابل تأکید می‌کند (Giddens 1999b). براساس ارزش‌های دموکراتیک گیدنز، نتیجه منطقی تحول

در ساخت قدرت در خانواده، جنسیت‌زدایی از نقش‌های درون خانواده است. تربیت فرزند، مسئولیت مشترک در نقش‌های فراجنسیتی خانواده دموکراتیک است. او به‌جای تأکید بر نقش «مادری» به‌مثابه عنصر محوری در پذیرش سهم نامتناسب مسئولیت فرزند، بر «والدگری» به‌عنوان مسئولیت مشترک والدین در امور فرزندان تأکید دارد (Giddens 2005)؛ و متناسب با ساختارهای اجتماعی جوامع مدرن، سیاست‌ها و راهبردهایی برای افزایش نقش مردان در خانواده ارائه می‌دهد (Bouzarinejad and Eqbali 2019). او معتقد است برخلاف ماهیت تولیدی خانواده سنتی که بچه‌دار شدن در آن، یک تصمیم مثبت اقتصادی بوده و از نظر اقتصادی منفعت داشته است، امروزه کودک از یک عنصر تولیدی به عنصری مصرفی تغییر ماهیت داده (Giddens 1999b)، و رابطه والدین و فرزندان را در حیطه فضای گفت‌وگویی و مبتنی بر اقتداری قرار داده که بر سر آن سازش شده است (Giddens 2003).

گیدنز اعتقادی به امور حقیقی و وجوه فطری انسان ندارد و فقط در پی تبیین اعمال اجتماعی افراد است. ساختارها در نظریه ساخت‌یابی برای کنشگر حالت بیرونی ندارند، در حافظه کنشگر قرار دارند و محصور در اعمال اجتماعی اند (Blaikie 2007). در این پژوهش برای حل این دوگانگی، منابع فقهی به‌عنوان منابع بیرونی تولید فرمان در شکل‌گیری اعمال کنشگران معرفی می‌شود و در تحلیل ارکان ساخت خانواده، باید ساختار خانواده ایرانی و تفاوت آن با غرب ملاک عمل قرار گیرد. با توجه به تفاوت‌های مطرح‌شده در ساخت خانواده (اسلامی) در ایران و غرب می‌توان گفت که ساخت مسکن نیز در این دو فرهنگ از تفاوت‌های زیادی برخوردار است؛ که لازم است در ساخت‌یابی فضاهای سکونت ایران مدنظر قرار گیرد. این تفاوت‌ها هم در منابع تولید فرمان و قواعد و هنجارهای ساکنین ظهور می‌یابد و هم قواعد و الزامات قانونی باید در توجه به آن کوشا باشد تا به شکل صحیح در فضاهای سکونت منعکس گردد.

۴. یافته‌ها: ساخت‌یابی فضاهای سکونتی با رویکرد فرهنگ اسلامی

معماری علمی بین‌رشته‌ای مابین علوم طبیعی مهندسی و علوم انسانی عقلی-تجربی به‌شمار می‌رود (Saba 2020)؛ و از این منظر نسبت به سایر علوم اهمیت و پیچیدگی بسیار و ابعاد و روش‌های پژوهش گوناگونی می‌یابد. در مطالعات فرهنگی، مفاهیم، قواعد و هنجارها در قالب الگوهای ویژه‌ای از فعالیت‌های روزمره افراد جلوه می‌یابد و سبک زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد (Reimer 1995) و از طریق مجموعه‌ای از قواعد، کدها و قراردادهای اشکال تعامل، ارتباط و هویت اجتماعی را سازمان می‌دهد (O'Sullivan et al. 1992) و در پدیده‌ها و محصولات فرهنگی نمودار می‌شود. آنتونی گیدنز فرهنگ را به معنای ارزش‌ها، هنجارها و کالاهای مادی یک گروه مشخص و از بارزترین ویژگی‌های روابط اجتماعی انسان می‌داند (Giddens 2001) و مناسبات و رفتارها و کنش‌های اجتماعی افراد را در عرصه فرهنگ به بحث می‌گذارد (Giddens 2008). ارزش‌ها و آرمان‌ها انتزاعی هستند و هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که باید مردم آن‌ها را رعایت کنند (Giddens 2001) و در رفتارهای اجتماعی آنان ظهور می‌یابد و در نهایت در کالبد معماری که هم به‌عنوان پدیده (محصول) فرهنگی که مظهر تجلی ارزش‌های فرهنگی است و هم بستر شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های اجتماعی است، تحقق می‌یابد.

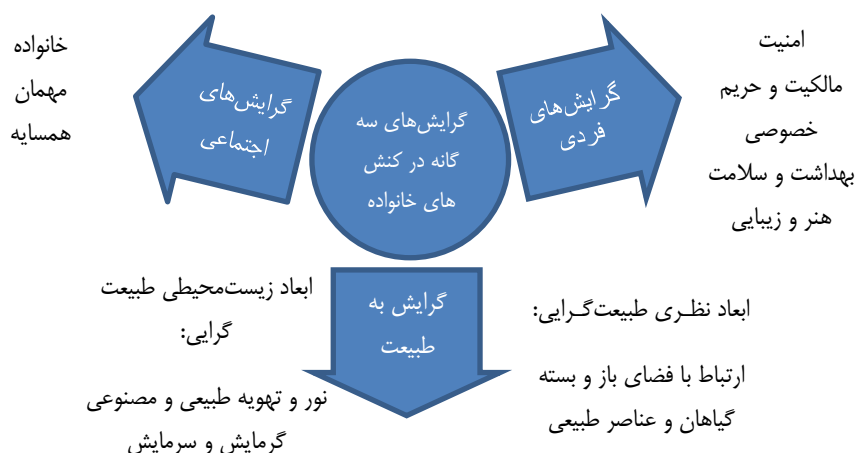
در رویکرد فرهنگی، محیط فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در تکوین، استمرار و تحولات هویت دارد. می‌توان گفت که در سطح مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر فضاهای سکونتی، با ارزش‌های موجود در علم اخلاق مواجهیم که قواعد و ساختارهایی در رابطه با هنجارها (باید و نبایدهای فرهنگی) تولید می‌کنند، یا در آن‌ها محقق می‌شوند. این مفاهیم بر الزامات، سنت‌ها و باید‌ها و نبایدهای فضاهای سکونتی تأثیرگذارند. در سطح بعدی که الگوهای عینی فضاها شکل می‌گیرد،

فعالیت‌های فرهنگی یا همان افعال، رفتارها و کنش‌های انسانی رخ می‌دهد که به‌صورت دوسویه بر هم تأثیرگذارند، یعنی هم کنش‌ها را شکل می‌دهند و هم در کنش‌ها محقق می‌گردند. این الگوها در کالبد مکان و فضاهای سکونتی به‌عنوان پدیده (نظام) فرهنگی که بستر کنش‌های افراد و اعضای خانواده (به‌عنوان یک ساخت اجتماعی) است، متجلی می‌گردد؛ یعنی سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده، آداب و سنت‌های معماری فضاهای سکونتی را شکل می‌دهد و آداب و سنت‌های معماری، بستر شکل‌گیری سنت‌ها و مناسبات بین اعضای خانواده می‌شود. به عبارت دیگر فضاهای سکونتی از دو بعد هویتی واجد اهمیت است: از یک بعد به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی، بازتاب (نظام) معماری خانواده و مظهری برای نمایش ارزش‌های فرهنگی و از بعد دیگر به‌عنوان یک سیستم (نظام)، واجد ساختار شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای فرهنگی.

از نظر علامه طباطبایی، فرهنگ جامعه متشکل از امور حقیقی و اعتباری است. امور حقیقی بخش ثابت و زیربنایی فرهنگ‌اند و اعتبارات متناسب با نیازها و اقتضائات محیط اجتماعی توسط (عقل عملی) انسان شکل می‌گیرند. اعتبارات اجتماعی به معانی و هویت‌های اجتماعی می‌پردازد و حالتی سراب‌گونه میان حقایق و اعیان دارد و بر مبنای تعقل و تصور انسان ساخته و معتبر می‌شود (Tabatabaei 2011). از نظر علامه طباطبایی، هویت‌های اعتباری مکانیزم کنش انسان در جهان خودند (Tabatabaei 2019). ساخت‌ها «مفاهیمی اعتباری» هستند که انسان در تعامل با پدیده‌ها و محیط می‌سازد و بنا بر ماهیتی مبتنی بر دوسویگی ساخت و در چرخه حیات اجتماعی انسان به صورتی مستمر بازتولید می‌گردند (Gharehbaglou and Motalebi and Saba 2019). ساختن مفاهیم اعتباری، فعالیت معرفتی و شبیه تشبیه و استعاره است که در آن با عوامل احساسی و به‌منظور سازمان بخشیدن به آثاری که ارتباط با این عوامل دارند، حد چیزی به

چیز دیگری داده می‌شود (Tabatabaei 1995). بدین ترتیب انسان در ذهن خود، پدیده‌ای را که در دنیای خارج مصداق مفهومی نیست، مصداق آن مفهوم قرار داده و بدین ترتیب آثار پدیده اول را به پدیده دوم نسبت می‌دهد (Amoli Larijani 1991). از نظر ایشان، دین از مهم ترین منابع تولید فرمان در جوامع دینی است که کنش های انسان را شکل می‌دهد. دین نه تنها به نیایش و ستایش خدا پرداخته، بلکه برای کلیه شئون فردی و اجتماعی انسان قواعد و الزاماتی اعتبار کرده است. اعتبارات می‌بایست از دو جنبه «ساختار» و «محتوا» مورد توجه قرار گیرد، زیرا اعتباریات به دلیل فراوانی کنش‌ها، در اشکال گوناگونی ظاهر می‌شوند. این فراوانی در کنش‌ها و پیچیدگی مقوله‌ها و روابط بین آن‌ها به رواج پارادایم‌های موضعی یا به هم‌ریختگی مفاهیم و محتواهای مورد بررسی در کنش‌های خانواده در برخی پژوهش‌ها منجر شده است. برای ساماندهی این مسئله، در اینجا سعی بر این بوده تا در تحلیل ساختاری و ارائه الگوی ساخت‌یابی از طبقه‌بندی کدهای مستخرج از منابع تولید فرمان بهره‌گیری شود. در این راستا پس از کدگذاری قواعد مستخرج از منابع فقهی آن‌ها را

به صورت محوری طبقه‌بندی می‌کند.^۵ از نظر ساختاری مفاهیم و کدهای مستتر در کنش‌های انسان در خانواده در سه حوزه گرایش‌های فردی، اجتماعی و در ارتباط با طبیعت طبقه‌بندی می‌گردد. قواعد و الزامات فقهی هم در قالب محتویات اخلاقی و هنجارهای ساکنین در کنش‌ها محقق می‌شود و هم به کمک منابع تخصیص ساخت مسکن، در کالبد فضاهای سکونتی جلوه می‌یابد. از نظر محتوایی، در طبقه گرایش‌های فردی، مفاهیمی مانند امنیت و حریم خصوصی در درونگرایی فضاهای معماری مصداق می‌یابد؛ یا هنر و زیبایی در قالب سبک‌های طراحی نمای خارجی و داخلی؛ و سلامت در ارتباط با بهداشت فردی در فضاهای سکونتی محقق می‌شود. مفاهیمی چون خانواده، مهمان و همسایگی نیز در طبقه کنش‌های اجتماعی انسان و نحوه تحقق آن‌ها در فضاهای سکونتی قابل ارزیابی است. در طبقه کنش‌های انسان در ارتباط با طبیعت، اهمیت و ارزش نظری طبیعت‌گرایی مانند اهمیت ارتباط با فضای باز و بسته و گیاهان و دیگر عناصر طبیعت و از نظر ابعاد زیست‌محیطی، نور و تهویه طبیعی و مکانیکی و سیستم‌های گرمایش و سرمایش مورد توجه است (شکل ۵).



شکل ۵: گرایش‌های سه‌گانه در کنش‌های خانواده

Fig. 5: Three Tendencies in Family Actions

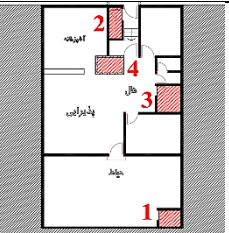
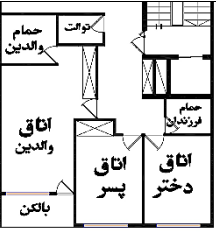
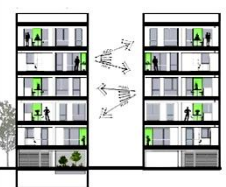
در جمع‌بندی بحث نظری می‌توان گفت که خانواده در اسلام یک ساخت طبیعی نیست و یک ساخت اجتماعی است؛ یعنی باید فاکتورهای دیگر فرهنگ، توسط جامعه ساماندهی شود، وگرنه خانواده در حالت طبیعی از هم می‌پاشد. ازاین‌رو یک مهندس فرهنگی برای جامعه دینی لازم است تا ساخت خانواده پایدار بماند. معماری فضاهای سکونتی قوانینی دارد که ساختار فضاهای سکونتی و روابط سیستمی اجزای آن را تعریف می‌کند. این قواعد هم بر مناسبات اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این قواعد هم شامل توصیه‌های اخلاقی و هنجارگونه می‌گردد و هم قوانین و احکام فقهی که بر اعضای خانواده و فضاهای مسکونی حاکم‌اند. منابع هم شامل منابع تولیدکننده فرمان، مانند احکام فقهی و سنت‌ها و منابع فیزیکی و کالبدی مانند مصالح و فناوری‌های طراحی و ساخت فضاهای سکونتی می‌شود که امکان مناسبات و کنش‌ها را در فضاهای سکونتی محقق می‌کند؛ بنابراین ساخت‌یابی فضاهای سکونتی ایران را در رویکرد فرهنگی در چهار دسته زیر می‌توان موردبررسی قرار داد:

- منابع تولیدکننده فرمان (منابع فقهی و سنت‌ها): دین جزء انکارناپذیر ساخت اجتماعی است و از این لحاظ موردتوجه ویژه قرار می‌گیرد. باوجوداینکه گیدنز قائل به الزامات بیرونی بر ساخت نیست و ساختارها را در دورن اعمال اجتماعی و حافظه کنشگران می‌جوید؛ از نظر او نیز دین می‌تواند بر همه شئون زندگی ما ازجمله به درک ما از هویت تأثیر به سزایی داشته باشد (Tanhaei and Hakimi 2012). البته به اعتقاد او تجدد و تكثر باورهای دنیای مدرن نقش دین را در شکل‌گیری اعمال اجتماعی کم‌رنگ کرده است که می‌تواند در هنجارهای جامعه ایرانی نیز موردبررسی قرار گیرد. درهرصورت، با توجه به اینکه دین اسلام، دین غالب مردم ایران پس از ورود اسلام به ایران بوده است، به نظر می‌رسد، احکام و بایدونبایدهای اسلامی

از مهم‌ترین منابع معتبر تولیدکننده فرمان در افعال و کنش‌های ساکنین فضاهای سکونتی در ایران باشد. پس در تبیین و بازشناسی سنت‌ها و مناسبات اعضای خانواده از منابع فقه اسلامی می‌توان بهره گرفت. ازجمله در حوزه گرایش‌های اجتماعی (حوزه خانواده) در آیه ۲۱ سوره روم، به آرامش میان همسران به‌عنوان نشانه‌های خلقت و به مودت و رحمت میان اعضای خانواده اشاره شده است. برخی از توصیه‌ها و احکام مستخرج از منابع فقه و اخلاق اسلامی، به‌طور مستقیم به آداب سکونتی و معماری فضاهای سکونتی اشاره دارد. به‌عنوان مثال در مورداحترام به حریم خصوصی و رعایت حقوق همسایه توصیه‌های فراوان داریم، ازجمله از امام صادق (ع) روایت است که هیچ‌کسی اجازه ندارد که روزنی در دیوارش ایجاد کند که داخل خانه همسایه از آن دیده می‌شود (Maghribi 1965). یا اینکه در روایتی از نبی اکرم (ص) باید بین بستر خواب پسران و بستر خواب پسر و دختر و پسر خواب دختران از ده‌سالگی جدایی و تفکیک ایجاد شود (Ibn Babawayh 1992). یا در حوزه گرایش به طبیعت، برکت خانه، خوب بودن مکان آن و وسعت صحن و خوبی همسایگان آن معرفی شده است (Majlesi 1984). در حوزه بهداشت و سلامت، در روایتی از حضرت علی (ع) ادرار کردن در حمام عامل فقر (Al-Hurr Al-Amili 1983) و در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) انتخاب مکان مناسب برای رفع حاجت نشانه ژرف‌نگری انسان شمرده شده (Kulayni 1987) و یا در فقه اسلامی بر رعایت جهت قبله در جانمایی سرویس بهداشتی تأکید شده است (جدول ۲)؛ و روایات بسیار دیگری در این زمینه داریم که در این مقال نمی‌گنجد. از این‌بعد، مفاهیم و ارزش‌های دینی و احکام فقهی، از مهم‌ترین منابع شکل‌دهی به قواعد و هنجارهای اجتماعی و حیثیات اخلاقی به شمار می‌رود.

جدول ۲: مصادیقی از جایگاه منابع فقهی در فضاهای سکونتی

Table2: Examples of the position of jurisprudential resources in residential spaces

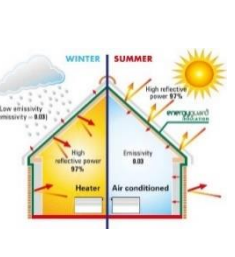
				
رعایت جهت قبله در سرویس	ورود سرویس به فضاهای داخلی بعد از ابلاغ ضابطه ۴۰-۶۰	اهمیت تفکیک فضای خواب فرزندان و خواب والدین از آنها	اهمیت رعایت حقوق همسایگی	اهمیت حریم خصوصی در ساختمان‌سازی

توسعه فناوری‌های نوین و تنوع مصالح ساختمانی، امکانات نوینی را برای فراهم آوردن ملزومات زندگی انسان معاصر و طراحی و ساخت فضاهای سکونتی او، مهیا کرده است؛ به‌طوری که افزایش تراکم‌های ساختمانی و توسعه آپارتمان‌سازی که از مهم‌ترین تحولات کالبدی فضاهای سکونتی است، بدون آن مقدمات، محقق نمی‌شده است؛ و جلوه‌های مختلف هنر و زیبایی در سبک‌ها و مصالح ساختمانی در نما سازی و دکوراسیون داخلی نیز در پی تنوع مصالح ساختمانی و سبک‌های معماری فضاهای سکونتی است (جدول ۳). مدیریت یا عدم کنترل هماهنگی این تحولات با محتواها و هنجارهای اخلاقی رایج در جامعه و فرمان‌های اعتبارشده در منابع فقهی نیز از مؤلفه‌هایی است که در ساخت‌یابی فضاهای سکونتی و دگرگونی‌های آن، باید مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد.

- منابع تخصیص (اقتصاد، فناوری و مسائل زیست محیطی): آب‌وهوا از مهم‌ترین مسائل محیطی است که نقش ویژه‌ای در طراحی اقلیمی ساختمان‌ها داشته است (Lechner 2014) و با توجه به تنوع مناطق مختلف آب و هوایی ایران، هویت کالبدی و معماری گوناگونی را از نظر مسائل زیست‌محیطی و اقلیمی، جهت تأمین آسایش کاربران در معماری بومی فضاهای سکونتی مناطق مختلف ایران پدید آورده است (Forster and Heal and Paradise 2014). اقتصاد، فناوری و تسهیلات حوزه مسکن نیز به‌عنوان منابع تخصیص، بر محیط فیزیکی فضاهای سکونتی تأثیرات بسیاری داشته و در دهه‌های اخیر، تحولات چشم‌گیری داشته و تأثیرات بسیاری بر حوزه‌های مختلف هویت کالبدی فضاهای سکونتی داشته است. رشد جمعیت و تحولات اجتماعی و زیست‌محیطی، ملزومات جدیدی را در جوامع معاصر به وجود آورده و ورود اتومبیل،

جدول ۳: مصادیقی از منابع تخصیص در فضاهای سکونتی

Table3: Examples of the position of allocation of resources in residential spaces

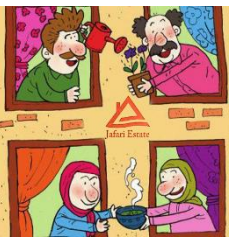
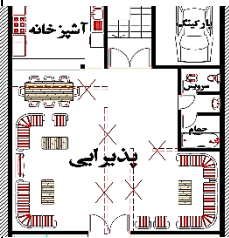
				
افزایش تراکم ساخت و کاهش سرانه فضاهای باز و فضای سبز	ورود خودرو و سیستم‌های امنیتی به فضای سکونتی	ارتقای بهداشت و مبلان سرویس‌های بهداشتی	عایق‌های حرارتی و سیستم‌های تأسیساتی نوین	لزوم تناسب فضاها با مبلان جدید

– قواعد، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی: محتوای اخلاقی و غیراخلاقی و فقهی افعال فردی و اجتماعی است که در داخل ساختارها و قواعد و هنجارهای درون آن شکل می‌گیرد (Hasani and Mousavi 2012). انسان به‌عنوان عامل، با اراده ناشی از عقل عملی، این دسته مفاهیم را در هنگام عمل می‌سازد (Tabatabaei 2008). این مفاهیم و محتواهای معرفتی و اخلاقی درواقع قواعدی برای شکل‌گیری ساختارها و تحقق‌کنش‌ها در تئوری ساخت‌یابی‌گیدن به‌شمار می‌روند. چنان‌چه در بحث ساخت خانواده شرح داده شد، بسیاری از این هنجارها در معماری سنتی ایران، متأثر از سنت‌های ایرانی و قواعد توصیه‌شده در منابع فقهی بوده که در دهه‌های اخیر، با تجددگرایی ناشی از توسعه ارتباطات و افزایش فرهنگ‌پذیری جوامع سنتی، از هنجارها و ارزش‌های دیگر جوامع نیز تأثیر پذیرفته‌اند. به‌عنوان مثال، در ایران، گرمی داشتن مهمان و همسایه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به‌طوری‌که خاورشناسان و سیاحانی چون ژان شاردن (Khalatbari 2009)، ادوارد براون (Browne 1982) و کنت دو گوبینو (Gobineau 2004) مهمان‌نوازی ایرانیان را موردتوجه قرار داده‌اند. جمله «مهمان حبیب خداست» سنت جاری و پذیرفته‌شده در بین مسلمانان است (Memarian and Hashemi Toghr Oljerdi and)

(Kamalipour 2010). زکات دانستن اتاق مهمان برای خانه در روایتی از پیامبر اکرم (ص) (Payandeh 2003) و اختصاص اتاقی به او و نیز تأمین محل خواب وی (Ibn Babawayh 2003)، اگرچه ممکن است مدت طولانی از سال، این اتاق مورد استفاده نباشد، نشان می‌دهد که ایرانیان و دین اسلام آن را از مصادیق اسراف، ندانسته و حتی آن را مستوجب پاداش معنوی می‌دانند (Nari Ghomi and Abbaszadeh 2014). تجلی این هنجار فرهنگی در فضاهای سکونت ایرانیان در مهمان‌خانه و فضای پذیرایی مهمان رخ داده است و حذف اتاق مهمان یا ادغام پذیرایی با نشیمن خانواده را می‌توان در تغییر این هنجار فرهنگی جستجو کرد. یا مفهومی چون حریم خصوصی که با اصل درون‌گرایی (Peyvastehgar and Heidari and Eslami 2017) در فضاهای سکونتی تجلی یافته و در دهه‌های اخیر، تحت‌الشعاع افزایش تراکم‌های ساختمانی قرار گرفته است. رواج آشپزخانه آپن و تغییر هنجارهای خانواده در روابط همسایگی و خانوادگی از دیگر مثال‌های هنجارهای ساکنین فضاهای سکونتی به‌شمار می‌روند که سنجش جایگاه آن‌ها در ساختارهای اجتماعی و تجلیات آنها در کالبد فضاهای سکونتی نیاز به‌کار میدانی در جوامع انسانی و گونه‌های معماری آن‌ها دارد (جدول ۴).

جدول ۴: مصادیقی از هنجارها و ارزش‌های اخلاقی در فضاهای سکونت

Table4: Examples of moral norms and values in residential spaces

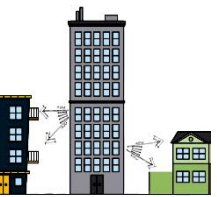
				
نحوه ارتباط با همسایه و هنجارهای مربوط به آن	رواج آشپزخانه آپن از هنجارهای دو دهه اخیر	روابط همسایگی در معابر از هنجارهای قبل از دهه ۷۰	ادغام فضای مهمان و خانواده از دهه ۸۰	کاهش یا حذف تدریجی رفت و آمد مهمان غریبه از خانه

- قواعد و الزامات قانونی: قواعد و الزامات قانونی در فضاهای سکونت، هم در حوزه خانواده و قوانین شکل‌گیری آن (در روابط متقابل ساخت خانه و خانواده و هنجارهای آن‌ها) و هم در حوزه معماری فضاهای سکونت می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد. قوانین خانواده و ازدواج (Raeisi and Ashrafi 2010) و فرزندان (Ghasemzadeh and Safaei 2009) که در کشور ایران و میان مسلمانان با کشورهای غربی متفاوت است. از آن جمله قوانین ازدواج و مسئولیت زوجین در قبال یکدیگر و فرزندان و ... را می‌توان مثال زد که به برخی از آن‌ها در بحث ساخت خانواده اشاره شد. در حوزه معماری فضاهای سکونت نیز با تشکیل ارگان‌های مختلفی مانند وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری و سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان و غیره، قواعد و الزامات قانونی بسیاری خصوصاً از دهه ۷۰ تا دهه ۸۰ و ۹۰ با رشد تحولات فضاهای سکونت، در حوزه طراحی و ساخت فضاهای سکونت تدوین شده و یا مورد بازنگری قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان تصویب قانون نظام معماری و ساختمانی (خرداد ۱۳۵۲) و اصلاحات بعدی آن (مصوب شهریور ۱۳۵۶)، قانون نظام مهندسی ساختمان، (مصوب ۱۳۷۱ برای اجرای آزمایشی و قانون فعلی مصوب اسفند ۱۳۷۴) و مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی ساختمان، مصوبات

شورای عالی شهرسازی و معماری و طرح‌های تفصیلی مصوب سازمان‌های مسکن و شهرسازی استان‌های کشور را نام برد. مثلاً از اوایل دوره جمهوری اسلامی، با ابلاغ قانون موسوم به ضابطه توده‌گذاری شصت-چهل، توده ساختمان به صورت مکعبی در جبهه شمالی یا غربی عرصه شکل گرفت و حیاط‌های میانی جای خود را به حیاط‌هایی دادند که عموماً در جبهه شرقی یا جنوبی و حدود ۳۰-۴۰ درصد از عرصه را شامل شده‌اند. برخی از این قوانین از احکام منابع فقهی نیز تأثیر گرفته است. از آن جمله مسئله حریم خصوصی و حقوق اشرافیت است که برای حفظ آن قوانینی در مورد تجاوز از میزان تراکم خریداری‌شده و سطح اشغال، همچنین درخصوص بازشوهای مشرف به هم سایه و فاصله آن‌ها از یکدیگر ضوابطی در مبحث چهارم مقررات ملی ساختمان (Office of National Building Regulations 2017 Supreme Council of Urban Planning and Architecture of Iran 2015) وضع شده است (جدول ۵). بررسی این قواعد و الزامات قانونی و میزان هماهنگی توصیه‌ها و ضوابط مندرج در آیین‌نامه‌ها با احکام منابع فقهی خانواده و سنت‌ها و مناسبت‌های حاکم بر کنش‌های اعضای خانواده از دیگر مؤلفه‌هایی است که در ساخت‌یابی فضاهای سکونت نیاز به تحلیل و بررسی دارد.

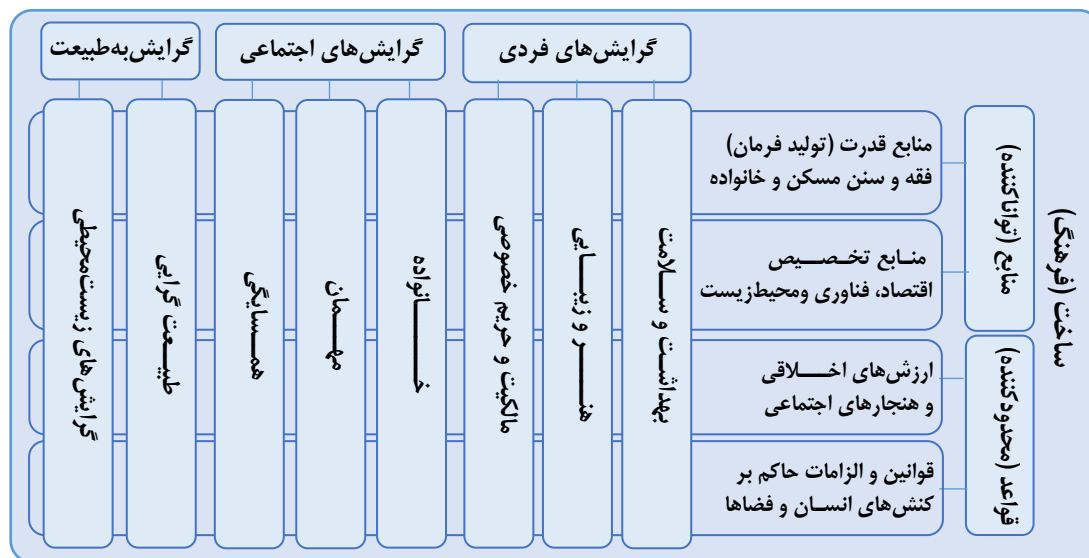
جدول ۵: مصادیقی از قواعد و الزامات قانونی در فضاهای سکونت

Table5: Examples of legal rules and requirements in residential spaces

				
ملزومات ورود اتومبیل	ضوابط نورگیری با افزایش تراکم‌های ساختمانی	از بین رفتن حریم خصوصی فضاهای باز و نیمه‌باز	بلندمرتبه‌سازی و ابلاغ ضوابط فضای باز و فضای سبز	ابلاغ ضابطه ۴۰-۶۰ و حذف میان سرا (حیاط مرکزی)

جامعی از فاکتورها برای مهندسی فرهنگی ساخت اجتماعی خانواده در فضاهای سکونتی دست یافت که در نمودار ماتریسی (شکل ۶) این پژوهش نمایش داده شده است.

با مقایسه و انطباق کنش‌های جاری در هریک از محورهای گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش به طبیعت در فضاهای سکونتی با ابعاد ساخت خانواده، می‌توان به طیف



شکل ۶: مؤلفه‌ها و فاکتورهای ساخت‌یابی فضاهای سکونتی با رویکرد فرهنگ ایرانی-اسلامی

Fig. 6: Structuration of Residential Spaces Components and Factors with Iranian-Islamic Culture Approach

نتیجه‌گیری

نیز متأثر از فرهنگ (ساخت) خانواده و بازتولید فرهنگ خانواده‌اند و قواعد و منابع حاکم بر استمرار یا تغییر شکل نهاد خانواده به‌مثابه ساخت فضاهای سکونتی، به بازتولید نظام معماری آن منجر می‌گردد. این بازتولید در قالب الگوهای معماری (راه‌کارها و گونه‌های پرتکرار در سیستم) در زمان و مکان، هویت فضاهای سکونتی را می‌سازد. در نتیجه می‌توان گفت که در رویکرد فرهنگی، باید قواعد و منابع شکل‌دهنده خانواده به‌عنوان یک ساخت اجتماعی تحلیل شود. این تحلیل در ساخت‌یابی فضاهای سکونتی ایران، در چهار بعد «احکام و سنت‌های حاکم بر کنش‌های ساکنین فضاهای سکونتی» (فقه مسکن و خانواده و سنت‌ها)، «امکانات فنی و رفاهی» (اقتصاد، فناوری، تسهیلات و محیط‌زیست)، «هنجارها، مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی سکونت» و «ضوابط و قوانین حاکم بر کنش‌های اعضای خانواده و معماری فضاهای سکونتی»، در سه محور گرایش‌های فردی، اجتماعی و گرایش انسان به طبیعت قابل تحلیل و بررسی است.

ساختارهای اجتماعی به‌مثابه قواعد و منابع، به‌طور جدی در زندگی روزمره ما بازآفرینی و یا بازتولید می‌شوند و به صورت بازگشتی در بازتولید سیستم‌های اجتماعی دخیل‌اند. در نتیجه، شناسایی اصول ساختاری و پیوندهای آن‌ها در سیستم‌های جامعه، نشان‌دهنده فراگیرترین سطح تحلیل نهادی است، یعنی تحلیل اصول ساختاری متوجه شیوه‌های تمیز و تشخیص هویت است. بدین ترتیب، بر اساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز، معماری فضاهای سکونتی نیز یک سیستم است که بازتاب یا بازتولید ساخت (فرهنگ) است. به عبارتی سیستم (معماری فضاهای سکونتی)، بازتولید فرهنگ معماری در مکان و همچنان‌که هویت بازنمایی سیستم است، هویت فضاهای سکونتی نیز بازنمایی معماری فضاهای سکونتی است. در این نگاه، عناصر و اجزای فرهنگ، به‌مثابه ساخت، هویتی مستقل از خود ندارند و متأثر از هویت ساخت حاکم بر فرهنگ هستند و بسته به نقش خود از اصول و قواعد ساخت (فرهنگ) گرت‌برداری می‌کنند. پس چنانچه در مثال‌های ساخت‌یابی فضاهای سکونتی اشاره شد، عناصر و اجزای فضاهای سکونتی

تشکر و قدردانی

اسلامی نویسنده اول است که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

این مقاله مستخرج از رساله دکترای تخصصی رشته معماری

پی‌نوشت‌ها

- 1- Structuration
- 2- Antoni Giddens
- 3- Clare Cooper Marcus
- 4- Tacit knowledge
- 5- In dwelling
- 6- rules
- 7- resources

۸- فرآیند کدگذاری و طبقه‌بندی و انتخاب مقوله‌ها در چارچوب نظری این پژوهش با فعالیت میدانی وسیعی در جامعه آماری که در رساله دکترای نویسنده اول و با راهنمایی نویسندگان دوم و سوم این نوشتار در دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است، مورد آزمون قرار گرفته است؛ و به صورت رفت و برگشتی بین منابع فقهی و هنجارهای ساکنین، بازایی شده است. در این پژوهش با توجه به محدودیت‌های تعداد واژگان تنها به ارائه مثال‌هایی از هر طبقه اکتفا شده است.

فهرست منابع

- آقای مهر، معین و قره‌گللو، مینو. «معا صر سازی هویت-مبنا؛ نمونه موردی: بافت های شهری معا صر ایران در دوره پهلوی». نشریه علمی پژوهشی نقش جهان. ۱۰، ۱ (۱۳۹۹): ۱۱-۱۸
- بوذری‌نژاد، یحیی و اقبالی، ابوالفضل. «مناقشات نظری ابن سینا و گیدنز پیرامون الگوی خانواده. دوفصلنامه علمی حکمت سینوی». ۲۳، ۶۱ (۱۳۹۸): ۲۱۳-۲۳۲
- بهشتی‌نژاد، مهدی. «نقد نظریه فرهنگی آنتونی گیدنز». نشریه مطالعات تحول در علوم انسانی. ۴، ۶ (۱۳۹۵)
- پارسانیا، حمید و دانایی‌فرد، حسن و حسینی، سیدابوالحسن. «دلالات‌های نظریه اعتباریات برای تحول در علوم انسانی». فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. ۲، ۱ (۱۳۹۳)
- پیربابایی، محمدتقی و ایرانشاهی، رحیم. «واکاوی نقش فرهنگ وقف در تکوین ارسن‌های شهری بر اساس نظریه ساخت‌یابی». نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی. ۵، ۲ (۱۳۹۹)
- پیوسته‌گر، یعقوب و حیدری، علی‌اکبر و اسلامی، مطهره. «بازشناسی اصول پنج‌گانه استاد پیرنیا در معماری خانه‌های سنتی ایران و تحلیل آن با استناد به منابع اعتقادی اسلامی، مطالعه موردی: خانه‌های شهر یزد». نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۷: ۲۷ (۱۳۹۶): ۶۴-۵۱
- تنهایی، حسین ابوالحسن و حکیمی، کنایون. «بررسی تطبیقی رابطه بین مفهوم عدالت و هویت اجتماعی در قرن معا صر از دیدگاه هربرت بلومر (تفسیرگرا) و آنتونی گیدنز (ساخت‌گرا)». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴، ۲ (۱۳۹۱): ۴۱-۵۴
- جواد، علی و ملک‌محمدی، حمیدرضا و کلاتری، عبدالحسین. «مناشی و بنیادهای فلسفی فرهنگ از منظر حکمت متعالیه». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ۲۰، ۴ (۱۳۹۵)
- حسینی، سیدحمیدرضا و موسوی، هادی. «ساخت و عامل در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و نظریه ساخت‌یابی گیدنز». دو فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۲، ۲ (۱۳۹۱): ۱۲۹-۱۵۹.
- رئیس‌سی، لیلا و اشراقی، محمود. «بررسی تطبیقی احکام اسلام و تازه‌های حقوق بین‌الملل درباره‌ی حقوق خانواده». نشریه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان. ۱۴، ۵۴ (۱۳۹۱): ۱۳۵-۱۷۳
- سلیمانی، محمدرضا و اعتصام، ایرج و حبیب، فرح. «بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری». نشریه علمی پژوهشی هویت شهر. ۱۰، ۲۵: ۱۳۹۵

- شرف‌الدین، سیدحسین. «علامه طباطبایی و بنیادهای هستی‌شناختی فرهنگ». نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۵، ۱۸ (۱۳۹۳): ۹۲-۶۵ صبا، سامان. «کاربست واقع‌گرایی اسلامی در فهم ارزش‌های انسانی مکان در معماری». نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی. ۵، ۱ (۱۳۹۹)
- ظهیری هوشنگ و فتحی، سروش. «مدیریت خانواده در نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با نظریه علامه طباطبائی». نشریه پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۴، ۸ (۱۳۹۰): ۹۹-۱۱۹.
- قره‌بگلو مینوو مطلبی، قاسم و صبا، سامان. ۱۳۹۸. «بازشناسی مفهوم ارزش در رابطه انسان و محیط در فضاهای باز سکونت در معماری سنتی ایران». نشریه هنرهای زیبا. ۲۴، ۱ (۱۳۹۸): ۱۱۴-۱۰۱
- معماریان، غلامحسین و هاشمی طغرالجردی، سیدمجید و کمالی پور، حسام. «تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان». نشریه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی. ۱۰، ۲ (۱۳۸۹): ۱-۲۵
- ناری قمی، مسعود و عباس زاده، محمدجواد. «مهمان در خانه: یک بررسی تطبیقی میان ایران و غرب در آستانه دوران مدرن (نمونه موردی: مسکن دوره قاجاری تبریز)». فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱، ۳ (۱۳۹۳): ۱۰۸-۹۳
- ندیمی، حمید. «نگاهی به ارزیابی طرح‌های معماری». دوفصلنامه علمی پژوهشی صفا. ۲۰، ۵۰ (۱۳۸۹): ۹-۱۹
- نقره‌کار، عبدالحمید و رئیس‌ی، محمدمنان. «تحقق‌پذیری هویت اسلامی در آثار معماری». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۲، ۷ (۱۳۹۱): ۱۷-۵.

منابع انگلیسی

- Abel, Chris. *Architecture & Identity: Towards a Global eco-culture*. Translated by Farah Habib. 2008 Tehran: Islamic Azad University Press, 1997. [in Persian]
- Aghaeimehr, Moein and Gharebaglou Minou. "Identity-Based Contemporization; Case Study: Iran Contemporary Urban Districts in Pahlavi Era". ISSN: 2538-2594; Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 10(1):11-18. 2020 [in Persian with English Summary]
- Al-Hurr al-Amili, Muhammad bin al-Hasan bin Ali bin al-Husayn. *Shia means*. Correction of Al-Bayt Institute, peace be upon them, 1983 [in Persian]
- Ameli Larijani, Sadeq. *Religious Knowledge*, Tehran: Book Translation and Publishing Center, 1991 [in Persian]
- Beheshtinejad, Mehdi. Critique of Anthony Giddens' cultural theory. *Journal of Transformation Studies in the Humanities*. 4 (6), 2016 [in Persian]
- Blaikie, Norman. W. H. *Approaches to social enquiry*. Translated by Seyed Hamidreza Hasani and Mohammadtaghi Iman and Masood Majedi. Qom: Institute of Seminary and University press. 2013. [in Persian]
- Bouzarinejad, Yahya and Eghbali, Abolfazl. "Ibn Sina and Giddens's theoretical debates about the family model". *Scientific Quarterly of Sinai Wisdom*. 23 (61) pp. 213-232, 2019. [in Persian]
- Broadbent, Geoffrey. *With Broadband about Architecture*. Compiled by Hamid Nadimi. Tehran: Beheshti University Press, 2018. [in Persian]
- Brown, Edward. *History of Iranian Literature*. Translated by Fathullah Mojtabaei. Tehran: Morvarid Publications, 1982 [in Persian]
- Bryant, C. G. A., and Jary, D. *Introduction: coming to terms with Anthony Giddens. Giddens' Theory of Structuration: A Critical Appreciation*. London: Routledge press, 1991.
- Cassell, Philip. *Abstract of Anthony Giddens's works*. Translated by Hassan Chavoshian. 2004. Tehran: Phoenix Publications, 2004 [in Persian]
- Cooper Marcus, Clare. *The house as a symbol of self*. Collector and translator: Arash Arbab Jolfaei. Philosophical and psychological foundations of space perception. Pp. 51-101. Tehran: Khak Publishing, 2009. [in Persian]
- Correa, C. *Architecture and Identity*. Singapore: Concept Media Pte Ltd, 1983.
- Cullen, Gordon. *Selection of urban landscape*. Translated by Manouchehr Tabibian. 2011. Tehran: University of Tehran Press, 1991.
- Frampton, Kent. *Critical Regionalism, Modern Architecture and Cultural Identity*. Modern architecture: A Critical history. 4th Ed. Singapore, Thames and Hudson. 2007.
- Forster, Wayne and Amanda Heal, and Caroline Paradise. *Lesson from Vernacular Architecture*. England: Taylor & Francis. 2014.
- Gharehbaglou, Minou and Motalebi, Ghasem and Saba, Saman. Recognition of the concept of value in Human-Environment Relations in Open Spaces for Traditional Iranian Residential Buildings. *Journal of Fine Arts*. 24 (1). Pp. 114-101, 2019. [in Persian with English Summary]

- Giddens, Anthony. *The Transformation of Intimacy (Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies)*. Californai: Stanford University Press. First Publish, 1993.
- _____. *Modernity and Self-identity: Self and Society in the Late Modern Age*. California: Stanford University Press. 1996.
- _____. *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*. Cambridge: Polity, 1997.
- _____. *The third way*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Shirazeh Press, 1999. [in persian]
- _____. *Sociology*. translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney Publishing, 2001. [in persian]
- _____. "Family perspective". Translated by Mohammad Reza Jalaeipour. 2003. *Journal of Reflection of Thought*. 4 (44). 2003. [in persian]
- _____. *Consequences of Modernity*. translated by Mohsen Thalasi. Tehran: Markaz Publishing, 2005. [in Persian]
- _____. *World Perspectives*. translated by Mohammad Reza Jalaeipour. Tehran: New Design, 2005b. [in Persian]
- _____. *Modernization and Personalization*. Translated by Nasser Movafaqian. Tehran: Ney Publishing, 2008. [in Persian]
- _____. *New Rules of Sociological Method: A Positive Critique of Interpretative Sociologies*. 2nd edition. London: Polity. 2013.
- _____. *Abstract of Anthony Giddens's works*. Translated by Hassan Chavoshian. Tehran: Phoenix Publications, 2013b. [in Persian]
- _____. *Beyond Left and Right: The Future of Radical Politics*. Stanford University Press, Kindle Store, 1st edition, 2013c.
- Gobineau, Joseph Arthur. *Three years in Asia, The Travelogue of Kenneth De Gobineau (1855-1858)*, translated by Abdolreza Houshang Mahdavi. Tehran: Drop Publishing, 2004. [in Persian]
- Good, William J. *World revolution and family patterns*. New York: The Free Press of Glencoe, 1963.
- Grote, Linda and David Wang. *Architectural Research Methods*. Wiley; 2nd edition, 2013.
- Hassani, Seyed Hamidreza and Mousavi, Hadi. "Construction and Factor in Allameh Tabatabai's Etebarat Theory and Giddens Theory of Constructivism, Two Practical Quarterly Journal of Social Theories of Muslim Thinkers". 2(2). pp. 129-159. 2012. [in Persian]
- Ibn Babawayh al-Qummi, Muhammad ibn Ali known as Sheikh Saduq. *Whoever does not attend the jurist*. Volume 3. Qom: Islamic Publications Office, 1992. [in Persian]
- Ibn Babawayh al-Qummi, Muhammad ibn Ali known as Sheikh Saduq. *Al-Khesal*. Volume 1. Translation: Yaghouh Jafari. Qom: Nasim Kowsar, 2003.
- Ibn Sina, Hussein bin Abdullah. *Theology from the book of healing*. Translated by Ibrahim Dadjoo. Tehran: Kharazmi, 2016. [in Persian]
- _____. *Politics*. Cairo: Dar Al-Arab, 1985.
- Javadi, Ali and Malek Mohammadi, Hamid Reza and Kalantari, Abdul Hussein. "Resources and philosophical foundations of culture from the perspective of transcendent wisdom". *Journal of Epistemological Studies at Islamic University*. 20 (69), 2016. [in Persian]
- Khalatbari Limaki, Mostafa. *The place of guests and hospitality in the culture of the Iranian people*. Tehran: Future Plan Publications, 2009. [in Persian]
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. *Al-Kafi*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Islamic Library, 1987. [in persian]
- Lang, John. *Creation of architectural theory, the role of behavioral sciences in environmental design*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran, 2011. [in persian]
- Lechet, John . *Fifty Great Contemporary Thinkers: From Structuralism to Modernity*, translated by Mohsen Hakimi, Khojasteh Publishing, 2004. [in Persian]
- Lechner, N. *Heating, cooling, lighting: Sustainable design methods for architects*: John wiley & sons. 2014.
- Lustig, M.W. *Intercultural Competence Interpersonal Communication across Cultures*. 7th edition. New York: Pearson, 2013.
- Lynch, Quinn. *The Image of the City*. Translated by Manouchehr Mazini. Tehran: University of Tehran, 2010. Original publication: 1960. [in Persian]
- Lynch, Quinn. *Theory of city shape*. Translated by Seyed Hossein Bahraini. Tehran: University of Tehran press. 2011. Original publication in 1981. [in Persian]
- Macintosh, N. B. and R. W. Scapens. "Management accounting and control systems: A structuration theory analysis". *Journal of Management Accounting Research* 3, no.3, 1991. 131-158.
- Maghribi, Nu'man bin Muhammad. *Duaim al-Islam*. Correction of Asif Faizi. Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them, 1965. [in Persian]
- Majlesi, Muhammad Baqir. *Bihar Al-Anwar Al-Jama'a Lidurar News of the Immaculate Imams*, vol. 73. Beirut: Al-Wafa Foundation, 1984.
- Memarian Gholam Hossein, Hashemi Toghr Oljerdi, Seyed Majid, Kamalipour Hesam. "The Influence of a Religious Farhang on Shaqlgiri Khaneh: Applied Measures of Khana Dar Mahlabi Musliman, Zereshtian and Yehudian Kerman." The publication of Alami Pechohshi Farhangi investigations 10, no.2, 2010. pp. 1-25 [in Persian]
- Motahari, Morteza. *Education in Islam*. Qom: Sadra Publishing, 1993. [in Persian]
- Nadimi, Hamid. "A Look at the Evaluation of Architectural Designs". *Bi-Quarterly Journal of Sefeh* 20, no.50 , 2010. pp 9-19 [in Persian]
- Nari Ghomi, Massoud and Abbaszadeh, Mohammad Javad. "Guest at Home: A Comparative Study between Iran and the West on the Threshold of the Modern Age (Case Study: Qajar Housing in Tabriz)". *Journal of Islamic Architecture Research* 1, no.3. 2014. pp93-108 [in Persian]
- Noghrekar, Abdul Hamid and Raeesi, Mohammad Mannan. *Feasibility of Islamic identity in architectural works*. Quarterly Journal of Iranian Islamic City Studies 2, no7, 2012. pp. 17-5 [in Persian]
- Noghrekar, Abolhamid and Hamzenejad, Mehdi and Ranjbar Kermani, Ali Mohammad and Orazani, Seyed Naeem. *An Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urban Planning*. Tehran: Payam Simagaran, 2009. [in Persian]

- National Building Regulations Office. *National Building Regulations, Topic 4, General Building Requirements*. Tehran: Road, Housing and Urban Development Research Center, 2015. [in Persian]
- Norberg-Schultz, Christian. *A choice of architecture: meaning and place*. Translated by Vida Nowruz Borazjani. Tehran: Jan Jahan Publishing, 2003. Original publication in 1988. [in Persian]
- Norberg-Schultz, Christian. *Architecture: Presence, language and place*. Translated by Alireza Seyed Ahmadian. Tehran: Niloufar Publications. 2008. Original publication in 2000. [in Persian]
- O'Sullivan, Timan and Hartley, John and Saunders, Danny and Fiske, John. *Key Concepts in Communication*. Routledge Press, 1992.
- Parsania, Hamid and Danaeifard, Hassan and Hosseini, Seyed Abolhassan. "Implications of Credit Theory for Transformation in the Humanities". *Journal of Islam and Social Studies* 2, no.1, 2014. pp23-48 [in Persian]
- Parsania, Hamid. *Social worlds*. Qom: Tomorrow's book press, 2012. [in Persian]
- Parsons, Talcott. *Family, Socialization & Interaction Process*. New York: The Free Press of Glencoe
- Payandeh, Abolghasem. *Approach to eloquence*. Tehran: World of Knowledge, 2003. Original publication in 1995. [in Persian]
- Peyvastehtar, Yaqub and Heidari, Ali Akbar and Eslami, Motahareh. "Recognition of Master Pirnia's Five Principles in the Architecture of Traditional Iranian Houses and Its Analysis Based on Islamic Belief Sources, Case Study: Houses in Yazd". *Journal of Islamic Iranian City Studies* 7, no.27, 2017. pp. 64-51 [in Persian]
- Pirbabaei, Mohammadtaghi and Iranshahi, Rahim. "Analysis of the role of endowment culture in the development of urban arsenals based on construction theory". *Journal of Islamic Architecture and Urban Planning* 5, no.2, 2020. 17-36 [in Persian]
- Ghasemzadeh, Seyed Morteza and Safaei, Seyed Hossein. *Civil rights of persons and detainees*. Tehran: Samat Publications, 2009. [in Persian]
- Raeisi, Leila and Ashrafi, Mahmoud. Comparative Consideration Of Islam Religious Commandments And International Law Newest About Law Family. *Journal of Women's Strategic Studies* 14, no54, 2012. pp. 135-173
- Rapoport, Amos. *Culture, architecture and design*. Locke Science Publishing Co. 2005.
- Rapoport, Amos. *The meaning of the constructed environment, an approach in non-verbal communication*. University of Arizona Press, 1990.
- Reimer, B. *Youth and modern lifestyles*. In J. Fornäs & G. Bolin (Eds.), *Youth culture in late modernity*. London; Thousand Oaks, Calif: Sage Publications. 1995.
- Relph, Edward. *Place and Placelessness*. SAGE Publications Ltd. 2008.
- Saba, Saman. Applying the Islamic Realism to Conceiving the Human Values of Place in Architecture. *1399 Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal* 5, no1, 2020. [in Persian]
- Segre, M. S. *Contemporary Sociological Thinkers and Theories*. Ashgate Publishing, Ltd, 2014.
- Sewell Jr, W. H. *A theory of structure: Duality, agency, and transformation*. American Journal of Sociology, 1992. pp 1-29
- Sharafuddin, Seyed Hussein. "Allameh Tabatabai and the ontological foundations of culture". *Journal of Socio-Cultural Knowledge* 5, no18, 2014. Pp 92-65 [in Persian]
- Smith, Philip. *An Introduction to Cultural Theory*. Wiley-Blackwell Publishing, 2008.
- Soleimani, Mohammad Reza and Etesam, Iraj and Habib, Farah. *Recognition of the Concept and Principles of Identity in Architecture*. *Journal of City Identity Research* 10, no25, 2016. [in Persian]
- Sotoudeh, Hedayatullah. *History of Social Thoughts in Islam*. Tehran: Avaye Noor Press, 2003. [in Persian]
- Supreme Council of Urban Planning and Architecture of Iran. A set of rules, regulations and case approvals of the Supreme Council of Urban Planning and Architecture of Iran. Tehran: University of Tehran Press, 2015. [in Persian]
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein. *Tafsir Al-Mizan*. Vol 2. Translated by Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Publications, 1995. [in Persian]
- _____. *Tafsir Al-Mizan*. Vol 4. Translated by Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Publications, 1995. [in Persian]
- _____. *Allama Tabatabai Collection of Letters*, Edited: Sabah Rabiei, Qom: Baqiyat press, 2007. [in Persian]
- _____. *Social relations in Islam*. Qom: Book Garden press, 2008. [in Persian]
- _____. *Allameh Tabatabai; Human-Islamic philosopher*. Compiled by Abdul Hussein Khosropanah. Tehran: Publications of the Institute of Islamic Culture and Thought, 2011. [in Persian]
- _____. *Principles of Philosophy and Method of Realism*. Volume II. Tehran: Sadra Publications, 2019. [in Persian]
- Tanhaei, Hossein Abolhassan and Hakimi, Katayoun. "A Comparative Study of the Relationship between the Concept of Justice and Social Identity in the Contemporary Century from the Perspective of Herbert Blumer (Interpreter) and Anthony Giddens (Constructivist)". *Iranian Journal of Social Development Studies* 4, no2, 2012. pp. 41-54 [in Persian]
- Von Meiss, Pierre. *Architectural elements from face to place*. London: Routledge press, 1990.
- Whittington, Richard. *Giddens, structuration theory and strategy as practice*. Edited by: Golsorkhi, Damon, Rouleau, Linda, Seidl, David and Vaara, Eero, (eds.) Cambridge Handbook of Strategy as Practice. Cambridge University Press, Cambridge, 2015.
- Zoheyri Houshang and Fathi, Soroush. "Family Management in Sociological Theories in Comparison with Allameh Tabatabai's Theory", *Journal of Quran and Hadith* 4, no8, 2011. pp. 99-119 [in Persian]